

دوره نهم تالیفیه

جلسه ۱۰هـ

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

(چون ملاکرات اول از دستور)

۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۱۲ - ۱۴ محرم ۱۳۵۲

شماره مسلسل : ۵۵۴

قیمت اشتراك } مالیات  
داخلة : ۱۰۰ ریال      خارجة : ۱۲۰ ریال  
تک شماره : یک ریال

مطبعة مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه نوزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۲ \* ( ۱۴ محرم ۱۳۵۲ )

## فهرست مذاکرات

- |   |   |
|---|---|
| ۱ ( تصویب صورت مجلس )                         | ۱ ( تقدیم لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت خارجی از طرف رئیس کل تجارت ) |
| ۲ ( تقدیم لایحه از طرف رئیس کل فلاح و صناعت ) | ۵ ( موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه )                                |
| ۳ ( شور لایحه متمم قانون برده کل ۱۳۱۲ )       |   |

( مجلس يك ساعت سه ربع قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل کردید )

صورت مجلس بکشنبه دهم اردیبهشت ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند \* \*

### ۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - آقای دبیر سهرابی

دبیر سهرابی - بنده کسالت داشتم و عریضه هم حضور مبارکشان عرض کرده ام مهذا غائب بی اجازه نوشته اند رئیس - در صورت مجلس نظر دیگری نیست ( گفته شد خیر ) صورت مجلس تصویب شد .

۲ ( تقدیم چهار فقره لایحه از طرف رئیس کل فلاح و صناعت )

رئیس - آقای فرخ

رئیس کل صناعت و فلاح ( آقای فرخ ) - يك

لایحه است راجع با استخدام شش نفر متخصص یکی برای

بهره برداری معادن یکی برای ذوب فلزات يك نفر متخصص فلاح که رئیس مدرسه فلاح هم خواهد بود يك نفر متخصص دیگر و دو نفر جنگل بان که تقدیم می شود ( صحیح است ) يك لایحه است راجع بتجدید کنتران یکی از متخصصین چینی مان که برای دو سال دیگر تجدید می شود . يك لایحه دیگری است برای استخدام سه نفر متخصص گرفتن قطران از ذغال سنگ و غیر آن بود کردن چوب که تقدیم می شود لایحه است راجع به انحصار فروش شوره با اداره کل صناعت که بمقام ریاست تقدیم می شود .

\* \* \* عین مذاکرات مشروح همین جلسه از دوره نهم تقنینیه ( مطابق قانون ۸ آند ماه ۱۳۰۵ )

دائرة تدوین و تقریر صورت مجلس

\* \* \* اسامی غالبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غالبین بی اجازه - آقایان ، دبیر سهرابی - حبیبی - دکتر امیر اعظم - طباطبائی و کیانی - حاج میرزا حسنخان امقننیاری - طباطبائی بروجردی - موثر - فرام - میرزا ابو الحسن خان یونیا - سگوند - دبیر آمدگان بی اجازه ، آقایان - یونس آقا وهاب زاده - شریعت زاده

[ ۴ - شور لایحه منعم قانون بودجه کل ۱۳۱۲ ]

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع به لایحه منعم بودجه مطرح است مذاکره در کلیات است. آقای دیبا طباطبائی دیبا - اولاً بحسب نظامنامه مجلس لوایح دولت همیشه باید حاوی يك مقدمات و دلائلی باشد لایحه راجع به منعم بودجه که دولت تقدیم مجلس کرد ابتدا مقدمه و دلائلی ندارد. فقط نوشته بود: «ساحت محترم مجلس شورای ملی لایحه منعم بودجه تقدیم میشود» بنده عقیده ام این است راجع باین قبیل چیزها باید قدری دقت شود زیرا يك سوابقی پیدا میشود. دولت در بودجه لایحه که تقدیم میکند باید حاوی مقدمات و دلائل باشد تا آقایان نمایندگان کاملاً مسبوق باشند بعد در مجلس مطرح میشود این لایحه دولت ابتدا حاوی مقدمات و دلائلی نبود لذا تذکراً عرض میکنم که دولت مخصوصاً آقای وزیر مالیه در نظر داشته باشند. يك لایحه مالی که تقدیم مجلس میشود برحسب نظامنامه همین طوری است که باید حاوی يك دلائل و مقدماتی باشد تا از روی بصیرت طرح شود. این لایحه مقدمات و دلائلی ندارد و بعد هم در کلیات این لایحه يك موادی است که حقیقتاً محدود بمسئله بودجه کل ۱۳۱۲ مملکتی نیست يك مواد عمومی است این مواد عمومی تا ابد باقی است مثلاً این جا در ماده ۲۹ می نویسند از تاریخ تصویب این قانون فلان ماده و فلان ماده بقوت خودش باقی است همچنین ماده ۳۵ هم بطور است. بعد هم ماده ۳۸ هم بطور است که مواد يك و دو سه قانون بودجه ۱۳۱۰ این ها هم در قوت خود باقی است. بنده عقیده این است که اینها يك مواد عمومی است و باید يك لایحه بیاورند و موادی داشته باشد که مربوط باشد به بودجه همان سال و الا هر سال اگر يك موادی بیاورند که مربوط باشد به همان سال خوب نیست. چنانچه مثلاً ماده ۳۸ و این ها. مثلاً در ماده ۳۸ حقیقتاً چندین ماده قانون محاسبات عمومی را بهم زده یعنی آنها نسخ میشود

و چندین ماده دیگری بجای آن مواد تنظیم می شود این مسئله مربوط به مسئله بودجه مملکتی ۱۳۱۲ نیست. قانون محاسبات عمومی بوده است. متأسفانه تا حال هم چندان بآن عمل نشده البته بنده معتقدم که يك اصلاحاتی باید در قانون محاسبات عمومی بشود ولی جایش این جا نیست و باید يك لایحه دیگری آقای وزیر مالیه بیاورند و تقدیم مجلس بکنند که قانون محاسبات عمومی نه همین چندتا بلکه خیلی از مواد دیگری هم که در مقام عمل دیده شده اسباب زحمت است و اسباب خسارت دولت است اصلاح شود بنده عقیده ام این بود که اگر ممکن شود آقای وزیر مالیه این مواد را تجزیه کنند آنگاه که مربوط ببودجه ۱۳۱۲ است در این لایحه قید شود و مطرح و تصویب شود. و آنگاه که مربوط باین جا نیست و يك مواد عمومی است برای آنها يك لایحه علیحده تنظیم کنند و تقدیم مجلس بنمایند و این دو قسمت هیچ مربوط بهم نیست.

وزیر مالیه ( آقای نفی زاده ) - فرمایشات آقای راجع به ترتیب و شکل کار بود و مطلبی نداشت که بنده جواب عرض کنم آقایان ملاحظه فرموده اند از اول ماده تا آخر ماده این لایحه مربوط به بودجه و برای حسن جریان بودجه است و هیچ ماده درش نیست که مربوط ببودجه نباشد برای اینکه قانون را چطور اجرا کنیم و مصارف و مخارج بجه ترتیب اجرا شود. این ها در این لایحه تدوین شده است که به عقیده آقا ممکن است این ها برای چندین سال باشد و بصورت قانونی بیاید ولی این مواد هم بهتر است که در قانون بودجه یکی دو سه سال باشد و اگر کاملاً معلوم شد که يك چیز دائمی است در بیاورند و قانون علیحده و جزو قانون محاسبات عمومی گفتند چنانچه ملاحظه فرموده اید بنده هیچ اصلاحی نکرده ام و مسئله مناقصه و مزایده بجه ترتیب شود این در هر قانون بودجه هست مثلاً قانون استخدام مملکتی هر سال باید در هر منعم بودجه باشد راست است که يك قانون موقتی است ولی بنده عقیده

دارم که اشل باید در قانون منعم بودجه باشد برای اینکه اگر بخواهیم يك وقت بکتومان زیاد تر بدیم دیگر قانون علیحده بیاوریم و خود آقایان هم باندازه کافی زحمت دارند حالا يك ترتیبات دیگری هم دارد. اگر بنده قانون مجازات می گذاشتم و آقایان میفرمودید باین چه مربوط است البته صحیح بود ولی اینجا مطلب خارجی بیاورده ایم اینها را در کمیسیون بعضی آقایان فرمودند و اظهار نظر کردند بنده هم تصدیق کردم و عرض کردم که ما در نظر داریم این مطالبی که در قانون منعم بودجه هست که فلان مواد قانون بودجه امسال هم جاری است این ها را در نظر داریم که جزو قانون محاسبات عمومی بکنیم ولی فعلاً لازم داریم برای همین بودجه. حالا دیگر نمیدانم تا چه حد این مسئله ابراد دارد. اینکه فرمودید قانون محاسبات عمومی اجرا نمیشود. عرض میکنم یکی از قوانینی که از همه بیشتر اجرا میشود قانون محاسبات عمومی است حتماً تنظیم و ترتیبی که تا الان در کار جریان امور مالی است باید شکر گذار قانون محاسبات عمومی باشد که با کمال جد آنرا اجرا میکنند و مربوط است بقوانین اساسی که او را محکم میکنند. از این جهت قانون محاسبات عمومی خوب اجرا میشود ولی البته بعضی نواقص در هر قانونی پیدا میشود این هم البته چیز مهمی نیست باید آن نواقص را پیدا کرد و باآزمایش و دقت تغییر داد در خود قانون محاسبات عمومی حالا شاید امسال مسئله مناقصه را ملاحظه فرمائید که يك چیزی است که فوق العاده اسباب زحمت ادارات است بطور قطع عرض میکنم آنچه که در قانون منعم بودجه هست بطور ابدی خوب است اگر این ترتیب خوب است که جزو قانون محاسبات عمومی میکنیم و اگر يك منقصدی داشت باز اصلاحش میکنیم ولی آنچه که ما فکر کردیم بهتر از این ترتیب بخاطرمان رسیده است.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - نظریاتی که بنده در قانون منعم بودجه داشتم

البته ممکن بود در موادی که مربوط بموضوع است بجای خودش عرض کنم ولی حالا که در کلیات اجازه دادند يك يك اشکالاتی که بنظر بنده میرسد عرض می کنم شاید در مواد دیگر مزاحمتی نداشته باشم. این جا در آخر ماده ۳ شرحی مینویسد «مبلغ ده هزار ریال طلب حاجی غلامعلی شاکریان اسم میبرد که از وزارت مالیه در سال ۳۰۷ طلبکار بوده و حالا اجازه میخواهند بپردازند. میخواستم باطلاع آقای وزیر مالیه برسانم که غیر از این اشخاص يك اشخاص دیگری هم هستند مخصوصاً يك بنائی و يك معماری بوده که در لرستان يك کاری کرده و خاطر خودشان هم مسبوق است که این شخص سرمایه رهنش را روی این کار گذاشته و مبلغی طلب دارد از سال ۱۳۰۷ و حالا دچار همین اشکالات شده. باین جهت بنده خیال میکنم اگر اسم نبریم بهتر است زیرا يك اشخاص دیگری هم هستند و آنها وسائل نداشته اند بوزارت مالیه آن اندازه فشار بیاورند که وزارت مالیه منحصرماً اسم آنها را بگذارد آنها هم از نظر دور نشوند. بطور کلی نمکن است این عبارت را اصلاح کرد تا اگر اشخاص دیگری هم باشند بتوانند از این حق استفاده کرده و حق خودشان را بگیرند. یکی دیگر در ماده ۷ که بنده فهمیدم مقصود چیست وزارت مالیه مجاز است آنچه از عایدات ریالی سنه ۱۳۱۱ تا آخر او را برگردانند. خواهش دارم توضیح بدهند مقصود چیست. یکی ماده ۱۱. این که در بودجه يك اعتباری برای پرداخت این قسمت ها گذاشته اند مورد نداشته است. یکی دیگر ماده ۱۲ است که بنده اینجا یادداشت کردم در ذیلش مینویسد از محل صحبه مالیات رام برای تأسیس پست صحنی در خوزستان برای مالجه چشم. بنظر بنده این یکی از مواد خیلی خوب است مخصوصاً در خوزستان که خیلی مورد دارد برای این که هر يك از آقایان که به آن صفحات تشریف برده اند ملاحظه فرموده اند که چشم سالم کمتر در آنجاها دیده می شود لکن متأسفانه این اطباء که ما دیدیم بخوزستان سفر کرده اند بوجه توانسته اند بواسطه نداشتن دوا و

اسباب کار وظیفه خودشان را انجام دهند و اखाهاى  
 ملی در خوزستان خیلی کم است. اگر هم هست خیلی  
 محدود. دوا و اسباب کار خیلی کم وجود دارد. بنده  
 بخاطر دارم سابقاً هم همینطور يك موقعی بنظم رسید و  
 عرض کردم که از همه بهتر این است دولت در خوزستان  
 تأسیس يك دواخانه نماید تا همه بتواند استفاده بکند و  
 رفتن اطباء مختلف و داشتن اطباء متعدد با بودن دوا  
 آن طور که منظور است استفاده نمیشود. موضوع دیگری  
 که این جا لازم بود برض برسانم راجع به ماده ۲۵ است.  
 ماده ۲۵ می نویسد وزارت مالیه مجاز است مستمری آقای  
 کابیل مولیر مستشار سابق اداره پست را از ۱۳۰۱ تا  
 آخر ۱۳۱۲ از قرار سالی نه هزار فرانک طلا و نیز  
 مستمری آقای هنسنس رئیس سابق گمرک را ز سال فلان  
 مطابق شرحی که نوشته شده پرداختند. بنده می خواستم  
 باطلاع آقایان برسانم که این مستمری و طلب و حساب  
 چیز تازه نیست. يك موضوع دیگر در ماده ۲۷ است که  
 مربوط است به مستخدمینی که تحت تعقیب واقع می شوند  
 بر اثر اتهامات. این ها پس از آنکه مدتی در زحمت و  
 فشار واقع می شوند دیده شده است که بعضی هاشان تیرمه  
 می شوند و این جا قبول کرده و سابقاً هم همینطور بوده که  
 حقوق ایام تعلق این هارا در صورتیکه تیرمه شوند دولت  
 بدهد. این ترتیب در مواد بودجه سابق هم بوده در قانون  
 دیوان جزاهم يك ماده مخصوص برای این کار هست.  
 ولی متأسفانه دولت در عمل این ماده از قانون را آنطور  
 که باید انجام دهد نمیدهد. ایرادش این است که اعتبار  
 ندارد و در تحت این عنوان این ماده اجرا نشده است.  
 در ذیل این ماده می بینیم؛ آنکه مقدمات را بنویسد و آن  
 شرایط را باید واجد باشد. پس از همه این ها بنویسد در  
 صورتیکه اعتبار باشد. و بنده خیال میکنم از تمام قسمت  
 این ماده همین قسمت اجرا می شود یعنی ذیل ماده.  
 بنی پس از این که يك مستخدمی و مأموری تحت تعقیب  
 قرار گرفت و آقایان همه میداند که چه زحماتی برایش  
 نواید می شود و از همه چیز ساقط می شود و چیزی برایش  
 باقی نمی ماند و بلکه غالباً دیده شده که در همان اوقات  
 تحت تعقیب يك صدمات جانی هم منتهی شده اند و  
 بالاخره پس از دو سال سه سال که تیرمه می شوند وقتی که

مراجعه میکند و میگوید از باب حقوق پس افتاده ما  
 چیزی بها بدهید فوراً وزارت مالیه از قسمت اخیر این  
 ماده استفاده خواهد کرد. عقیده بنده این است که با  
 این ماده را بکلی بزنند و اساساً مستخدم بدانند که چه روزی  
 خواهد داشت یا این که بدانند که اگر روزی تیرمه شد  
 حقوقش را بدهند و این اما را درش نگذارند. يك  
 موضوع دیگری که در یکی از مواد بنده اینجا خواندم  
 مینویسد وزارت مالیه پول های که من غیر حق برخلاف  
 قانون از مردم میگردد پس بدهد. بنده خیلی تعجب میکنم  
 چطور وزارت مالیه اصلاً این را قبول میکند که برخلاف  
 قانون این اجازه را بخود میدهد که پول از اشخاص  
 بگیرد و بعد پس بدهد. بنده این جا (یکی از رفقای  
 خودم آقای فهیمی که تشریف دارند مستحضرنند) يك  
 پولی را وزارت مالیه همینطور برخلاف قانون گرفته بود  
 از مؤدیان مالیات يك مدتی دوندگی و داد و فریادهای  
 زیاد کرد تا آن پولی که گرفته بود پس بدهد مدتی  
 شکایت کرد و عرض حال داد. بالاخره به آن مبلغی که  
 او قلمداد کرده بود رسیدگی شد و يك مبلغ کمتری را  
 وزارت مالیه تصدیق کرد که بالاخره حق بجانب اوست  
 و باید باو پرداخت و پس داد. بالاخره پس از آنکه  
 بوزارت مالیه رفیق و برض آقای وزیر رساندیم و تمام  
 تشریفات بجا آمد. اداره عایدات گفتند چون ممکن است  
 این کار نظائر پیدا کند ما نمیدهم. (کازرونی - درست  
 است اصول منطقی همین است) بالاخره وزارت مالیه  
 آن چها که برای این کار برخلاف منفق و حق خودش  
 کرد این بود که این ماده را در این جا گذاشت. خوب  
 گذاشتن این ماده در این جا بر مردم حق میدهد و می بینند  
 و مراجعه می کنند و پول های که برخلاف حق و قانون  
 از آنها گرفته شده مطالبه میکنند و بالاخره پس از تمام  
 این مراجعات بوزارت مالیه تازه اثر قطعی ندارد بوسیله ما  
 مردم قتلان می آورند ما هم می رویم وزارت مالیه و اندازه  
 عایدات و بالاخره با آن همه زحمات میرسیم يك همچو  
 جوانی که عرض کردم و اگر وزارت مالیه این ماده را  
 از نظر تشریفاتى و این که بر مردم بگوید ما تا این اندازه  
 رعایت حال شما را میکنیم که اگر پولی برخلاف قانون  
 از شما گرفته شده پس میدهم نوشته بنظر بنده بایستی

مقبول شود باین که مبلغ کم بوده باز یاد و بانظائر پیدا  
 میکند بانی کند. بهر صورت اگر پولی برخلاف قانون  
 گرفته شده هر مبلغ باشد و نظائر هم پیدا کند باید پس  
 بدهند و اگر می خواهند ندهند بنظر بنده گذاشتن در  
 قانون و بدهم بتصوب مجلس رساندن این يك عمل  
 مستحسنى نیست. بنده این قسمت از ماده ۲۳ را که به ماده  
 ۳۰ منتهی می شود و او تغییر میدهد قانون محاسبات را  
 و عمل مزایده را در این قسمت هم موافق نیستم با آقایانی  
 که آقای دیا فرمودند زیرا ما با بحال يك قانون محاسباتی  
 داشتیم و يك عملی در کار بوده و يك مزایده بود بنده  
 تصدیق میکنم که مثلاً مزایده در بعضی مواقع بضرر دولت  
 تمام شده ولی اگر جمع و خرج کنیم منافع و مضار او  
 را. منافش بیشتر بوده و با تصویب این مواد آن وضعیت  
 از بین میرود دیگر صورت منافع و مزایده بکلی  
 بر طرف می شود و بنده خیال میکنم اگر باید این مواد  
 بهم بخورد باید قانون محاسبات عمومی را و آورند این  
 جا و در اطراف موادش صحبت بکنیم و هر موادی که  
 باید دست بخورد و اصلاح شود عوض کنیم. میل داشتم  
 حضور آقای وزیر مالیه عرض کرده باشم راجع به ماده  
 ۲۵ قانون متمم بودجه برای پرداخت حقوق و مستمری  
 کابیل مولیر. این ماده و این قانون و این موضوع از  
 دوره ۵ که بنده افتخار نمایندگی مجلس شورای ملی را  
 داشتم و قبل از آن هم همیشه مورد بحث بوده دور تیرمه  
 بنده خاطر می آید که به کمیسیون بودجه آمده و دولت  
 توانسته اقتاع کند که برای جهان پول را می خواهد  
 بدهد و این دفعه سوم است. موضوع مستمری کابیل مولیر  
 در قانون استخدام مولیر ماده نیست برای این که دولت  
 مکلف باشد باو مستمری بدهد. شاید در ایام قنوت وزیر  
 پست و تلگراف وقت يك چنین حقی را داده باشد ولی  
 باید گفت آن عملی را که وزیر کرده است مخصوصاً چون  
 مربوط می شود يك مستخدم خارجی برخلاف قانون بود،  
 زیرا باید بتصوب مجلس شورای ملی برسد و چون  
 فرسیده برخلاف قانون بوده (صحیح است) در این  
 صورت بنده عقیده ندارم که دولت بابت این باشد زیرا  
 هر عملی که برخلاف قوانین موضوعه باشد و مجلس  
 شورای ملی تصویب نکرده باشد این عمل عملی نیست که

باتکاء آن بشود يك مستخدمی پول داد. (کازرونی -  
 صحیح است) موضوع این که برای چه اصلاً کابیل مولیر  
 از اداره پست رفت و برای چه این دعوی پیدا شد يك  
 دوسه خیلی تصور و يك سوابق مفصل و زیادى دارد.  
 يك قسمت از آن را که خاطر هست یاد داشت کرده ام.  
 در این موضوع کمیسیون های متعددی در وزارت پست  
 و تلگراف و در هیئت دولت شد بالاخره کمیسیونی که  
 اخیراً شد و تشخیص داد معلوم شد که مولیر سسری  
 تیر را که يك میلیون و سیصد و نود و چهار هزار و  
 شصت و هشتاد و هفت ساقیم فرانک بوده است و نصف  
 این مبلغ را مشتری داشته و میخریده رده قیمت تیرهای  
 بوشهر که در آن کمیسیون رسیدگی شده معادل است با  
 چهار صد و سی و هشت هزار و دویست و هشتاد و  
 پنج هزار فرانک طلا که در دهان دوسه هست نو بهاری  
 که الا آن يك مفاز و مؤسسه تیر فروشی و تیر خری  
 دارد در لاله زار آن جا بند سپرده و مشتری بوده است.  
 این مبلغ هم حاضر شده که تیرهای بوشهر در مبلغ  
 ۲۹۲۱۸۳ فرانک طلا بخرند ولی این عمل و این  
 معاملات هیچکدام انجام نشده است و مولیر متهم بوده  
 که این تیرها را و آن تیرهای قبلی را برده است باین  
 جهت است که از خدمت مفصل شد. بنده خاطر می آید در  
 کابینه قوام السلطنه سر موضوع مولیر در زمان وزارت  
 وجدانك استبصاح شد و بالاخره کابینه افتاد. آن  
 وقت این را مایا نیم و يك همچو ماده بگذرانیم بدون این  
 که دقت کرده باشیم آن سوابق بالاخره بکجا رسیده و  
 حکایتش که شده تصدیق شده و به کجا رسیده آن وقت  
 مایا نیم و نود هزار تومان باو بدهیم بدهم از باب  
 گذشته از ۱۳۰۱ الی ۱۳۱۲ از قرار سالی هزار فرانک و  
 بعد هم از حالا در بودجه جاری بگذاریم (افسر -  
 دوسه که این قدر تیر خورده اشکالی ندارد) بنظر بنده  
 آقای وزیر مالیه خوب است مواظت فرمایند که این را  
 در يك ماده از يك قانون بودجه که برای یکسال ما  
 میخواهیم تصویب کنیم نگذاریم. این را باید در يك قانون  
 و لایحه علیحده به مجلس بیاورند و بدهم مجلس روی  
 سوابقش قضاوت کند برای این که این موضوع در قانون

است و ممکن است که مجلس شورای ملی با اطلاع از این سوابق رأی بدهد این است که آقای وزیر مالیه خوب است که این ماده ۲۵ را بردارند و از این بودجه کنار بگذارند و بدهم يك لایحه مخصوصی برای این کار بیاورند

**طاهری (عزیر کیسیون بودجه):** اگر چه فرمایشات نماینده محترم در مواد بود و بنده متقدم که مذاکره در کلیات کافی بود و سر کار خوب بود در مواد وارد شوید و فرمایش فرمائید که دیگر تکرار نشود. ولی حالا که فرمودید بنده جواب عرض میکنم قسمتی که راجع به ماده ۲ فرمودید که اگر وجوهی برخلاف قانون گرفته بشود دولت اجازه داشته باشد مسترد بدارد. این در ماده قانون مسم بودجه سال گذشته هم بود و از مواد خوب است برای اینکه ممکن است عمداً یا سهواً اگر مأمورین برخلاف قانون يك چیزی دریافت کنند پس بدهند. اگر این ماده نباشد در قانون همین که پولی بخزانه وارد شد و بمصرف رسیده دیگر برگرداندن و استردادش طبق قانون مورد ندارد. و در محاسبه هم اشکال دارد. لکن اگر ما تصریح کنیم که اگر وجوهی برخلاف قانون گرفته شد دولت حق داشته باشد پس بدهد يك نسیه می است. این جا مخصوصاً تصریح شده که علاوه بر تعقیب مأمور مسئول از عایدات جاری هم وجه باید مسترد شود. پس هم مأمور مجازات شود هم وجه مسترد شود. همین که برخلاف قانون پولی بگیرند و بعد پس بدهند. این که فرمودند این يك عملی است که می شود و نباید این جا نوشته شود و عدل شدن هر قانونی مربوط به قانون گذاری است آن يك موضوع خارجی است اگر يك موضوعی باشد که عملی نمی شود باید تذکر داد تا عدل شود و الا اصل قانون این است که اگر يك چیزی برخلاف قانون گرفته شد باید پس بدهد و مأمور مسئول را هم مجازات کنند این کار بسیار خوبی است آن موضوعی که راجع به چند نفر بود آنهم اشخاصی که باقی ماندند این جا اسم برده شده و طلبشان پرداخته شده است. موضوع ماده ۷ که توضیح خواستند آقای اعتبار برای این که پولی که برای اسعار خارجی پرداخته

شده است آن برگردد. نظرشان هست بودجه سابق دو ستون داشت مخارج. يك ستون ریال بود و يك ستون پهلوی. هر وزارت خانه يك اعتباری برای اسعار خارجی داشت و يك اعتباری برای پول داخلی. هر وزارت خانه که احتیاجشان با اسعار خارجی زیادتر می شد آنوقت از اعتبار ریال بر میداشتند و با اسعار خارجی تبدیل میکردند. این مطابق این ماده يك قانونی پیدا میکند. مطابق این ماده میگوید دولت حق داشته باشد پولی که از قسمت ریال برداشته به حساب اسعار بگذارد و برگرداند. این يك عمل محاسبه ایست. موضوع ماده ۱۱ که راجع به قیمت تلگرافات است نظر خود آقا هست که چندین دفعه این موضوع قانونی شده است. يك مرتبه گفتند که تلگرافات مجانی باشد حال دولت يك دفعه قانون گذارند که نهی شود يك دفعه تلگرافاتی را که اهمیت و فوریتی ندارد باز محدود کردند ادارات و وزارت خانه ها را و يك بودجه برایشان معین کردند که در حدود آن بودجه حق داشته باشند. امسال تازه این تصمیم را گرفتند چون در قانون مسم بودجه تصریح دارد که مجانی است این تلگرافات این است که امسال برای این که بگویند که باید این محاسبه روی این مبلغ باشد این را نوشته اند. موضوع است صجیه خوزستان که فرمودید البته این یکی از بهترین تصمیم هائی است که گرفته شده است و خودتان هم تصدیق کردید که همین تأسیس مریمخانه چشم است در خوزستان ولی این که دو اخانه باید در آنجا باشد این با خود مردم است در هر صورت این تصمیم و این اعتبار را به صرفه مریمخانه رساندن خیلی خوب است. موضوعی که اگر مستخدمی مسم شد یا موقتاً منقل شد یا تحت تعقیب درآمد چه می شود. بطوری که خاطر خودتان مستحضر است دو دوره است که در بودجه ها يك اعتباری منظور می شود برای این که اگر مستخدمی تیره شد حقوقش پرداخته شود. و این یکی از کارهای بسیار خوب است زیرا همان طوری که توضیح دادند اگر يك مستخدمی از کار بیکار شد و تحت تعقیب درآمد پس از تیره چیزی باید باور بدهند حالا میفرمائید نمیدهند. خوب، باید بدهند و این

مربوط به قانون نیست و این که دولت مکلف باشد حقوق مستخدمین را پس از تیره بدهد این خوب است. اما گاهی ملاحظه میفرمائید که اعتبار ندارند خودتان مسبقاً این مستخدمی که از کار خارج می شود و تحت تعقیب درمی آید. گاهی محاشش خالی می ماند و گاهی کسی دیگر را بجایش می گذارند اگر محاشش خالی باشد که اعتبارش هست و پس از تیره بخودش میدهند ولی اگر بواسطه احتیاج وزارت خانه این مستخدمی که تحت تعقیب فرار گرفت يك مستخدم دیگر جایش آوردند حقوق این را باو دادند این دیگر اعتبار ندارد و آن اعتبار کلی که برای پرداخت حقوق مأمورین تیره شده در بودجه می گذارند گاهی کافی نیست و گاهی کافی است. زیرا نمی شود پیش بینی کرد که مثلاً چند نفر از مأمورین دولتی امسال تحت تعقیب قرار بگیرند. يك اعتباری پنج هزار تومان ده هزار تومان بگذارند این ممکن است تمام شود. امسال چیزی که اضافه شده همین قسمت است که مینویسد اگر اعتبارش تمام شد یا اعتباری نیست وزارت خانه مجبور باشد که در بودجه سال بعد این اعتبار را منظور دارد دیگر چون چیزی بظن بنده نیست که فرموده باشید غیر از ماده ۲۵ و مولتر که خود آقای وزیر مالیه توضیحات آنرا خواهند داد.

**وزیر مالیه:** بنده اگر چه قصد ندارم بجائتا توضیح مفصلی بدهم تمام این چیزهائی را که آقای اعتبار فرمودند چون هر کدام را در موقع خودش و در ماده مربوطه میفرمائید و بنده جواب عرض میکنم اما چیزی که راجع به کلیات بود همان چیزی بود که آقای دیا فرمودند که بطور کلی لایحه شکل دیگری بشود بهتر است و الا اگر بنابند هر ایرادی که آقایان نسبت بهر ماده دارند بنده حالا جواب بدهم دو مرتبه باید جواب عرض کنم. يك دفعه در کلیات و يك دفعه هم در خود ماده. ولی در نكته را که فرمودید بدو عرض کنم گرچه نزاع لفظی میشود ولی باید توضیح بدهم این که فرمودید بعضی اشخاص خیلی فشار آوردند بوزارت مالیه و طلبشان را گرفتند و بعضی ها توانستند فشار بیاورند نگرفتند. بطور صریح میگویم و بعضی از آقایان هم میدانند بنده جزو خوش نامی

حساب نمیکم ولی این بدنامی را ندارم که می فشار حساب طلب کسی را بدهم. هر کس طلب حق دارد بدهم هر کس ندارد نمیدهم هر روز هم اگر حق نداشته باشد باید نمیدهند. هیچ هم نباید اگر داشته باشد میدهند که خودش هم مطلع نبوده و میدهم. برای فشار نیست. این فقط دلیل دیگری دارد که در موقعش عرض میکنم. راجع به مولتر بعضی از آقایان مکرر در این باب صحبت کردند و بنده در کمیسیون توضیح دادم و آن توضیح را این جا هم عرض میکنم و بعد از آنکه توجه فرمودند که کارمان باید از روی اصول و قواعد باشد فرض فرمائید يك کسی الا آن يك کلاهی برداشته است. این که فرمودید کمیسیون شد و فلان شد و مذاکرات شد این برای این حرفهائی که میزنند باید نتیجه داشته باشد. کمیسیون و این ها که دلیل نمی شود. بچنانچه در کمیسیون هم گفتیم این کار در محاکم عدلیه باید تعقیب شود. مملکت ما عدلیه و دیوانخانه دارد او باید تعقیب کند و باید محکمه در باره مسم حکم بدهد که فلان مثلاً سیصد هزار تومان دادنی است. خوب از آن سیصد هزار تومان پنج هزار تومانش همین است که دولت بر میدارد ۲۹۵ هزار تومان را بگیرد ولی این يك پولی است که دولت حالا باید بدهد حالا چرا باید باور برساند میفرمائید این مطالب را باید بگذارید بخواید چون آن آدم معلوم الحال است. خود بنده هم خیلی شنیدم و در اقواء شایع است و از آنوقت هم میدانستم که خیلی صحبت ها است از این قبیل که حالا آقای اعتبار فرمودند. ولی این که فرمودند کثرات های متعددی داشته که در بعضی زمان گذشته از مجلس گذشته. در زمانی که مجلس نبود این شخص بطور کثرات کار میکرد و وقتی دولت کثرات کرده حقوقش را داده آنچه که بموجب کثرات دولت تعهد کرده باید باور بدهد زیرا تعهد کرده اند فلان چیز را بدهند حالا ما این تعهد را کان لم یکن فرض کنیم و کفایت میشود تعداد و درش بحث کرد. بعد بحکمیت رجوع کردند (در خود کثرات بود که باید بحکمیت رجوع شود) حق حکمیت داشت و محکمه حکمیت حکم بر او داد يك محکمه که

خود طرفین فرار دادند و یکی از طرفین هم دولت است و او را امضاء کرده است باید حکم محکمه جاری باشد از آنطرف هم اطلاع دارم يك محکمه دیگری این نزاعی که الان درین است رسیدگی نکرده تا حکم بدهد باید محکمه این را حکم بدهد اگر کتر از این مبلغ او را محکوم کردند آنچه که طلبش میشود یعنی بقیه باید باو برسد و اگر تعادل کرد که هیچ و اگر زیادتر شد که هیچ چیزی دولت نمیدهد و زیادتی را هم از او خواهد گرفت این يك چیزی است که در جای خودش هست حالا برای اطمینان خاطر آقایان بنده میتوانم این را عرض کنم یعنی اینجا قول میدهم که وقتی هم این تصویب شد باز بهش نمیدهم و نمائیم یکتیم از وزارت پست و تلگراف که این مطلب را تعقیب کنند . اگر این مطلب را تعقیب نکنند همیشه تا ده سال دیگر باید گفت که این آدم صحیحی نبوده و فلان این بجائی نمیرسد اگر یکوقتی هزار تومان پول شما پیش او باشد بر میدارید مطابق حکم محکمه ولی این حکم نیست درست است که کبسیونها رسیدگی کرده است باید این کار بشود و ما این کار را مراقبت میکنیم و در کبسیون هم گفتیم که بعد این را با آقای وزیر پست و تلگراف عرض میکنم که دوسه ماه حاضر است و مرتب است رجوع کنند بمحکمه عدلیه ما این را فوراً باو نمیدهم زیرا ممکن است اینهم یکی از انواع حکم های صادره از محکمه خودمان باشد يك حکم صادر میشود که دولت حق ندارد آلتوق باید دوباره قانون بیاوریم یکی میگوید که دولت حق داشته و باید پیش از اینها از او بگیرد این يك قسمت از آن چیزیکه او بهوجب یکچیز دیگر حق داشته است از آن کم میکنیم اینها را داخل هم نمیکنیم هر کدام را در جای خودش قرار میدهم ولی بعد از اینهم در خود ماده اش که میاید میخواهم تنها کنم که هر چه آقایان میخواهند در آن موقع بفرمایند اگر بعد از توضیحاتیکه عرض کردم باز بنظر آقایان چیزی درآماده ناپسند بود آقایان بفرمایند ممکن است بپردازیم بنده هم اصراری ندارم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده در این لایحه چند قسمت نظریاتی داشتم که میخواستم در مجلس بمرض آقای وزیر مالیه برسانم . اولاً راجع به ماده چهارم که اصل مستخدمین را تعیین کرده است بنده در کبسیون هم عرض کردم دولت باید برای اصل مستخدمین يك تصمیمات جدیدی اتخاذ کند برای اینکه از نقطه نظر خارجیکه در این سنوات اخیر بر مستخدمین افزوده شده وضعیت آنها طوری است که محتاج باین است که يك اشلی که در ده دوازده سال پیش معین شده يك تجدید نظری دولت بکند زیرا آسایش و رفاه مستخدمین البته بمقبیده بنده در درجه اول لازم است زیرا اگر يك مستخدمی وضعیت مادی او منظم نباشد قهرراً نمیتواند انجام وظیفه کند بنده این را هم در کبسیون عرض کردم البته دولت اظهار میکند اگر ما بیائیم اشلی سی و دو تومان را سی و پنج تومان بکنیم يك مبلغی بر بودجه مملکت افزوده میشود این نکته هم تا بیکدرجه مورد رعایت است که باید تعدیل بودجه را در نظر گرفت بنده عرض کردم اصل را باید دو قسمت کنیم يك قسمت تارقیه پنج را بالا ببریم از نقطه نظر اینکه يك مستخدمیکه سابق سی دو تومان حقوق میگرفته حالا هم سی و دو تومان بگیرد عایداتش با مخارجش تکافو نمیکند هشت سال ده سال قبل يك خانه که بیست تومان اجاره اش بوده حالا شده چهل تومان بی اغراق عرض میکنم مخصوصاً خانهای کوچک حالا يك مستخدمیکه سی و دو تومان در ماه از دولت حقوق میگیرد هر چقدر بخواهد زندگانش را کوچک کند و قناعت کند دو تا اطلاق لازم دارد اجاره کند هشت تومان نه تومان بنده با حساب و دقت عرض میکنم هر کس در شهر طهران بدون مبالغه باید يك ربع عایداتش را کرایه خانه بدهد و این یکی از مخارج اولیه هر کس است بالاخره همه اینها از رقبه يك تارقیه پنج اشخاصی هستند که خانه اجاره دارند و همه هم عائله دارند در مملکت ما اساساً دقت نمیشود که هر کس بدون اینکه وضعیتش اجازه بدهد يك عائله و بساط زندگی برای خودش

تهیه کرده بامید اینکه وضعیت روزی وزندگیش بادگیری است و این دماغ آن مستخدم را فشار میدهد پشت آن میز که نشسته باید خیالش راحت باشد بمقبیده بنده باین جهت بنده عرض کردم که باید اصل را از سی و دو تومان بالا برد سی و پنج تومان باید کرد تا رقبه پنج و مامبتوائیم این تفاوت را هم که در بودجه هر وزارتخانه تا رقبه پنج پیدا میشود و اگر حقیقه هیئت دولت موافق بشود و کبسیون بودجه از روی جدیت بخواهد از رسیدگی بیودجهای تفصیلی و جزء میتواند این تفاوت را تأمین کند چرا زیرا يك ارقام زیادی همیشه در بودجه ها پیدا میشود بنده خودم اقتضای عضویت کبسیون بودجه را چندین دوره است داشته ام و حالا هم دارم يك چیز های زیادی هست مثل اینکه بنده در سال گذشته این را در کبسیون عرض کردم چون عملی نشده و حالا هم موقعی است که باید بودجهای تفصیلی بگذرد حالا اینجا عرض میکنم اتفاقاً يك ماده هم در این لایحه هست که باز جلب توجه میکند و آن اتومبیلهاست که غیر از آقایان وزراء سایر رؤسای ادارات دارند بمقبیده بنده هیچ لازم نیست غیر از وزراء سایر آقایان اتومبیل داشته باشند فرض کنید آقایان معاونین و همینطور رؤسای ادارات رؤسای تقنیش و سایر آقایانی که در وزارتخانهها هستند همه اهل این مملکت هستند و اوضاع عمومی دنیا اجازه میدهد که ما در زندگانی صرفه جویی کنیم این لازم نیست بنده و کیل یا فرض کنید معاون یا رئیس اداره سوار همین اتومبیلها و درشکهها میشویم که همه دارند ایاب و ذهاب میکنند و با این رقم میتوانیم ما يك كلك مؤثری باین اشخاصیکه زندگانشان در زحمت است و مقدراتشانرا تسلیم هیئت دولت و مجلس شورای ملی کرده اند بکنیم اینها انتظار دارند که ما نسبت به زندگانی اینها يك كلك و توجهی کرده باشیم بنده مستخدم دولت بنسبم و این عرضی را که میکنم برای خودم نیست هیچوقت آمسال استخدای ندارم بنده يك مرد زارعی

هستم هر وقت هم از کارهای اجتماعی کناره گرفتیم میروم بی زراعت ولی تماس داریم با این طبقه باور بفرمایید وقتیکه آدم میخواهد وارد خانه یکی از مستخدمین رقبه سه و چهار بشود وقت میکند (صحیح است) امروز که خوشبختانه مملکت رو بساعات میبرد و هر کسی در جای خودش زندگانش محفوظ است و با اصطلاح يك اصل ترقی است باید همه این قسمت ها را مراقب باشند در پرتو آن دست توافقی که همه وضعیت را حفظ کرده در باره این دسته از اهل مملکت هم رعایتها بشود اینها يك اشخاصی هستند که نرسد دارند سالی یکبار که این بودجه تغییر میکند وضعیت و زندگانی آنها هم تأمین بشود حفظ اعتدال بودجه این نیست که ما يك رقم پنجاه ملیون عایدات وارد کنیم و يك پنجاه ملیون هم بگذاریم در ستون خرج هیئت دولت و مجلس شورای ملی يك تکالیف دیگری هم دارند آن چیست اول مرتبه تکالیفشان این است که اوضاع و احوال همین مستخدمین را در نظر بگیرند ببینند اینها در زندگانی راحت هستند بنده يك نکته را عرض میکنم احصائیه دیوان جزای عمال دولت را به آقای وزیر مالیه عرض کردم بگیرند صدی نود و پنج مستخدمینی که تحت تعقیب جزائی بیرون میآیند نیمی مستخدم رقبه يك و دو است بواسطه اینکه عایداتش وافی نیست چرا مستخدمین عالی رقبه که در این مسیر واقع میشوند برای اینکه حقوقش کافیت اگر کسی در این مملکت حقوق کافی داشته باشد بنده خیال میکنم طبیعت او اجازه نمیدهد دنبال يك کار های زشتی که اختلاس و ارتشاء داشته باشد برود مگر يك اشخاصی که حقیقه يك طبایع دیگری داشته باشند و فاسد باشند و البته آنها را عرض نمیکم ولی اکثریت با این طبقه است زیرا که اینها در مقابل خرج ثبیتی واقع میشوند شاید هم میداند در آن حیثی که آن عمل بد را میکنند سه ماه دیگر ششماه دیگر گرفتار میشوند زیرا میدانند دولت امروز بیدار و کاملاً وضعیت او را تحت نظر میگیرد ولی میگوید من امروز زندگی خودم را تا این گتم سه ماه دیگر اگر گرفتار میشوم بشوم ما باید سعی کنیم

که این دسته مستخدمین که طبقاً روشن و طبقه نور این مملکت را تشکیل میدهند اینها زندگیشان مرتب باشد و بعقیده بنده بیشتر کارها را در ادارات و وزارتخانهها و مجلس و جاهای دیگر بالاخره همه کارها را همین مستخدمین جزء میکنند که منظم تر میآیند و بیشتر هم کار میکنند این عقیده بنده بود که راجع بماده چهارم است عرض کردم اما راجع بماده یازده که راجع بنرخ فلکراف بود و آقای اعتبار هم تذکر دادند بنده اینجا یک نظریه اساسی دارم که الان عرض میکنم بنده معتقدم که اگر قیمت فلکراف را ما در مملکت کم بکنیم این عایدات عمومی زیاد تر میشود و یک کمکی هم هست برای اینکه مردم بیشتر بتوانند از فلکراف استفاده کرده باشند این موضوع را یکی از آقایان مخصوصاً چند روز قبل که یک جایی بودیم به بنده تذکر دادند دیدم یک نکته اساسی است اینست که بنده یادداشت کردم که عرض کنم در ممالک خارجه بنده ترفقه امولی آن شخصیکه به بنده میگفت فرمایشات ایشان محل اعتماد بنده است در آنجا ها خیلی ارزان است قیمت فلکراف اینجا که انسان یک فلکرافی میخواهد بکند دائماً قلم دستش است که آنرا تصحیح کند که این اضافی را حذف کند و حال آنکه بنده عقیده دارم اگر کله دو عباسی را بکنند بکعباسی قطع دارم در آخر سال عایدات زیاد تر است اینجا خواستم آقای وزیر مالیه و مخصوصاً آقای وزیر پست و تلگراف که یکی از وزرای برجسته و متور این مملکت هستند در زمان خودشان این اقدام را بکنند برای اینکه همینطور که خیلی از چیزهای این مملکت در ترقی رفته است و نواقصی هم که داشته است در عمل رفع شده این قسمت هم مرتفع شود و بیشتر این اداره تلگراف که یک مؤسسه عمومی است در دسترس مردم واقع شود اما راجع باین ماده بیست و هفت که آقای اعتبار تذکر دادند یک قسمتی را هم بنده بهشان عرض کردم فراموش کردند بفرمایند آقای دکتر طاهری هم یک جوابی دادند ولی مفید بنده جواب هیچ کافی نبود ولی اینجا بنده عرض

میکنم و خواهش میکنم جوابر امطابق سوال بنده دهند ما وقتیکه قانون گذارندیم برای اینکه مستخدمینی که تحت تعقیب بیرون می آیند در دیوان جزا بنده خودم آنوقت اقتضای عضویت مجلس را داشتیم ما اینجا قائل شدیم که اگر دولت یک مستخدمی مضمون شد او را معلق کند و تحت تعقیب درآورد و تمام مواد سخت و مشکل هم برای تعقیب او در دسترس دولت گذاشتیم ملاحظه فرمودید دیگر که مدعی العموم بدون دلایل می تواند توقیف کند و کارهای دیگر هم می تواند بکند بنده از آن اشخاصی هستم که میگویم اگر کسی مستخدم دولت شد و دو قران یا پنج قران مال دولت را خورد باید او را شدیدترین مجازاتها کرد ولی اگر آمد و معلوم شد که این رابرت دهنده در مملکتی که سر تارش غرض است آدم مفرضی بوده قاضی بدوی قاضی تحقیق تحقیق کرد مدعی العموم مخالفت کرد رفت به محکمه محکمه او را تبرئه کرد و مدعی العموم دیوان جزا تصدیق کرد که تو تبرئه شدی این ترتیب چقدر طول میکشد کمتر از یکسال نیست اینها که عرض میکنم قضی است جنبه مبالغه ندارد اغلب آقایانهم تصدیق دارند یکسال طول کشیده این مستخدم رتبه یک در فشار بوده از حبس درآمده باز دوبرتبه رتبه حبس خلاصه نازم می آید پرسل وزارتخانه شس یار میگویند خوشبختانه تو تبرئه شده ای ولی متأسفانه محلی برای پرداخت حقوق شما نیست این آن قسمتش که تا بحال اظهار میکردند ولی در ضمن عمل یک فرمول دیگری اتخاذ کرده اند که اصل این پرداخت حقوق را به مستخدمی که تحت تعقیب بیرون می آید عملاً از بین برده و آن کلمه انتقار خدمت است که سابق در آن قانون گذاشته اند ما اغلب مستخدمین مان که تحت تعقیب بیرون می آید همانوقتیکه بهشان اطلاع میدهند حکم انتقار خدمت هم دستشان میدهند که یا احتضار بی دیوان جزا با هم بدست اومی رسد این بالاخره فرمالیه شده معنای آقا قانون این نبود و ملاود دولت که نباید مستخدمینش فرمالیه بکند مستخدم هم نظریه که در آقا قانون گفته شده بلی باید معلق باشد و بیرون بی دیوان جزا اگر محاکمه شد و محکوم شد طبق آقا قانون باید مجازات شود و اگر نشد و تبرئه شد باید حقوقش را داد و حتی

در آنجا میدشد که پشش راهم باید داد این را در نظر دارم که آقای اعتبار پیشنهاد کردند حالا اصلاً پست او معلوم نمی شود و یک فرمول جدیدی هم اتخاذ شده که حکم انتقار خدمت ابلاغ می شود که فلانکس تو منتظر خدمتی سال هم که گذشته بعد از یکسال یکسال و نیم که تبرئه می شود نازم می رود بوزارتخانه میگویند که تو منتظر خدمت بوده و محل حقوقی انتقار خدمت در سال گذشته داده شده و تمام شده الا آن بنده یک همچو آدمی را سراغ دارم که تقریباً چهارده ماه تحت تعقیب بوده و تبرئه شده حالا که رفته بوزارتخانه مراجعه کرده میگویند محل انتقار خدمت تمام شده این بیچاره که چهارده ماه است تحت تعقیب بوده و بالاخره معلوم شده که آدم دستکاری بوده یا کسی بوده باید حق این را داد بنده اینرا که عرض میکنم چون بت آقای وزیر مالیه را معتمد و پایشان خوشین هستم و حقیقتاً عقیده ایشان دارم و همینطور که ایشان فرمودند برای ایشان فرقی نمیکند که کسی از مالیه طلب داشته باشد بیرون دنبالش یازود همان جریان خودش را سیر میکند این نکته را عرض میکنم که این فرمول خوبی نیست برای دولت وقتی مستخدمی تحت تعقیب بیرون آمد اگر معلوم شد که مجرم است باید تعقیب بشود و مجازات بشود ولی اگر تبرئه شد باید دولت حقوقش را بدهد در واد بود چه هم ماده سال قبل یک مبلغی گذاشتیم ولی این کلمه انتقار خدمت اصل آن معنی را از بین برد اگر هم حقیقتاً دولت نظرش اینست که باینها حقوقی ندهد وقتیکه تحت تعقیب بیرون آمدند اساساً نه این ماده را لازم دارد نه آن اعتبار را برای اینکه دولت احتیاج ندارد با مستخدمینش یک عملی بکند که صورتش با معاینش یک قدری تطبیق نکند خوب ممکن است بگوید یک مستخدمی که تحت تعقیب بیرون آمد اگر چنانچه تبرئه هم شد حقوقش داده نمی شود و این بیچاره از روز اول بفهمد نه اینکه بیرون بامد اینکه تبرئه می شود از صراف و این و آن قرض کند نازم وقتیکه تبرئه شد می بیند محل انتقار خدمت نیست آنوقت این بیچاره چکار کند اینها یک قسمتهایی بود که بنظر بنده رسید

راجع بزیاده هم صحبتها بکنم لازم بود آقایان کردند و بنده در پایان عرض میکنم که باین نسبت موافق نیستم برای اینکه اگر آن قانوناً دست بزنند بنده خیال میکنم آن منظور آقای وزیر مالیه که تسریع و تسهیل است عملی نمی شود و ممکن است مورد سوء استفاده هم واقع شود.

**وزیر مالیه** - بنده قبلاً نمنا کردم آنچه که باید در مواد صحبت شود در هر ماده خودش گفته شود برای اینکه البته هر کدام از آقایان شاید در پنج شش تا ده ماده اش نظر دارند و خیلی طول میکشد و بعد باز در مواد هم باید جواب داده شود ولی حالا یک استدعای دیگر هم میکنم که در هر ماده برای هر کدام از آقایان اشکالی هست بفرمایند که بنده قبلاً یک توضیحی بدهم و بدهم از آقای رئیس خواهش کنم که توجه بفرمایند حق مطلق محفوظ باشد که بعد از توضیح اگر قانع نشدند فرمایش بفرمایند مثلاً همین فرمایشیکه راجع به محکمه و تبرئه و اینها فرمودید اصلاً تمامش اشتباه بود اینجا هیچ صحبت محکمه نیست این یک قانون مخصوصی دارد آقا هر کس هم از دیوان جزا تبرئه شود و باید بیرون حقوق او را باید بدهند در آقا قانون یک نکته اش ناقص مانده که محاکمات اداری است ما حالا آنرا هم تأمین میکنم و الا دیوان جزا قانون مخصوص دارد منسوخ هم نشده اینجا نوشتم برای محاکمه اداری است یک تقصیر اداری که میکند باید محاکمه شود بعضی اوقات هم هست که وقتی می آید محاکمه می شود یک کسی را جایش میگذارند و منتظر خدمتش میکنند در این صورت بعد از اینکه تبرئه شد حقوق انتقار خدمت بهش میدهند بعضی اوقات منتظر خدمت نمی شود و تبرئه می شود تمام حقوقش را میدهند این راجع به محاکمات اداری است محاکمات جزائی و دیوان جزای عمال دولت اینها قانون مخصوص دارد که در جای خودش هست این برای ازساق مستخدمین است آن یک نکته اش ناقص بوده و پیش بینی نکرده بودند و اگر مستخدمی در محاکمات اداری تبرئه میشد سرش بی کلاه میبندد ولی در اینجا کاملاً پیش بینی شده و حتی کاملاً از آنچه که معهود بوده منظور کرده اند نوشته اند

که باید داده شود و اگر اعتبار هم موجود باشد مکلفند در بودجه سال آینده بگذارند و این برای این است که هیچ کس هیچ نوع حقی از بین نرود. راجع بمرایده و منافع و اینها هم بنده بودم بیرون رفته بودم ولی عرض میکنم که در موقع خودش یکی از مواد بسیار خوب است و ضرورت دارد که در این باب اصلاح شود ولی اگر اصلاحش بشکل دیگری باید بشود آقایان نمکنست بفرمایند ولی خود قانون باین شکلی که الان هست تقریباً قابل اجرا نیست

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

**رئیس -** ولی عده کافی نیست. آقای اورنگ بفرمایند **اورنگ -** بنده اولاً خدمت آقای وزیر مالیه و همچنین خدمت آقای دکتر طاهری عرض اینست موافق تجربه که ما داریم مذاکرات در کلیات با مقصد و مقصود آقایان موافقت است تا مذاکره در مواد برهانش هم روشن است فرض بفرمایند غرض از آقایان سخنی دارند هر یکشان راجع به پنجم ماده یا ده ماده آنوقت در مواد اگر میخواهند صحبت کنند ده نمره ده مرتبه اینجا میآیند و ده ده مرتبه بر میگردند این آمد و رفت صرفه آقایان است در این مواد بلکه آقایان صحبت دارند در کلیات صحبت خودشان را میکنند و وقتیکه مواد مطرح میشود دیگر اعاده صحبت نمیشود بنده هم راجع بچند ماده صحبت دارم و در بعضی از مواد توضیحاتی میطلبم اولاً راجع ماده چهار است

**رئیس -** آقای اورنگ اگر در مواد صحبت دارید ممکنست در موقع خود مواد بفرمایند.

**اورنگ -** موافق این مقدمه که عرض کردم در ضمن کلیات بهر میشود صحبت کرد معذک بنده آقایان اشکالی ندارم چنانچه اجازه بفرمایند مسائل که راجع بمواد دارم در ضمن همین کلیات عرض میکنم و باز هم اشکالی ندارم که تأمل کنم شروع بمواد که میشود در موقع خودش عرض کنم (بعضی از نمایندگان -

در ضمن مواد صحبت کنید) میفرمایید در مواد عرض کرده باشم بنده موافقت میکنم و صحبتها هم رامیگذارم در مواد.

**رئیس -** آقایان بکه موافقت با ورود در مواد دارند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد. توجه آقایان را باید بیک نکته جلب کنم این قانون سی و دوسه ماده است و چون لایحه بودجه است يك شور دارد و دائماً بنده بهر ماده باید رأی بگیرم برای رأی گرفتن هم نود و شش نفر لازم است که در مجلس حضور داشته باشند رفقاً اگر بیرون میروند اول بتابلو نگاه کنند بقدر عده که ضرور است همیشه در اینجا تشریف داشته باشند. ماده اول قرائت می شود.

ماده ۱ - کلیه اعتبارات مصوب برای ساختمانها که در بودجه ۱۳۱۲ منظور است و همچنین اعتبار مخارج انتفاعی مملکتی ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ تا آخر دوره عمل سالهای مذکور بجز قابل نهد و فقط تا آخر دوره عمل مزبور قابل مصرف است

**رئیس -** موافقت با ماده اول قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد. ماده دوم قرائت میشود. ماده ۲ - وزارت مالیه مجاز است آنچه را از عایدات و وجوهی که تا آخر سال ۱۳۱۰ وصول و بجمع عایدات مملکتی وارد شده است در صورتیکه تشخیص داده شود که اخذ آن برخلاف قانون بوده علاوه بر تعقیب مأمور مسئول از عایدات جاری رد نماید

**رئیس -** آقای مؤید احدی

**مؤید احدی -** این ماده تصور میکنم در سال گذشته هم در بودجه هزار و سیصد و یازده عین آن گذارده شده بنده نمیدانم نتیجه این ماده چیست و اصلاً يك عبارتی هم دارد که برخوردارند است که اگر مأمور دولت برخلاف قانون يك پولی از يك مؤدی اخذ کرد اگر بعایدات رفته

رد نمیکنیم مفهوم مخالف این ماده اینست اگر بعایدات رفته است رد نمکنیم یعنی اگر مأمور برداشت و بعایدات هم نبرد این رد نمیشود و معاف است (یکی از نمایندگان - اثبات شیشی نفی ماعدا نمیکند) خبر این از آن مواردی است که اثبات شیشی نفی ماعدا میکند بله بیخوشید مسئله دوم اینکه پارسال که گذاریم آباء عمل شد این راهم بنده سؤال میکنم توضیح میخواهم پارسال هم همین ماده در بودجه گذاشته شد اشخاصی هم مدعی بودند که از ما زیاد گرفته شده رسیدگی هم شد بعایدات هم رفت آیاتها دادید در صورتیکه نمی دهید گذاردن این ماده در بودجه بنظر بنده چیز زیادی است اگر میخواهید بدهید عمل کنید و بنده تعجب میکنم از آقای دکتر طاهری که فرمودند ما قانون نویسیم. ما کتاب نویس نیستیم ما قانون مینویسیم و نظارت در اجرا هم داریم اگر اجرا کردند باید ما توضیح بخواهیم استبصاح بکنیم والا ما کتاب مینویسیم.

**ولیرهالیه -** سابقاً که این قانون نبود این را خود بنده

ایجاد کردم در ۱۳۱۰ و ۱۱ هم داشتیم و آقایان خیلی اظهار رضایت و خوشوقتی فرمودند منظور این بود که آنچه بعایدات مملکتی ترفه باشد این مانعی ندارد فوراً میدهند مخساج با اجازه از مجلس هم نیست ولی اگر ترفه بعایدات و خزانه. و سال گذشته گفتیم از عایدات امسال بدهند و حق خرج این را ندارم و باید پس بدهیم اما اینست که فرمودند آباء عمل شده بانه بنده میخواستیم عکس این را از خودشان ببریم که آیا يك مورد برخلاف این را در مملکت سراغ دارند که عمل نشده باشد بنده هم در سال ۱۳۱۰ هم در سال ۱۳۱۱ دائماً درخواست امضا کرده ام که اشتباهاً یا طور دیگر گرفته شده رد کرده اند و مرتباً عمل شده و شاید در تمام سال مقدار زیادی مدهورده امضا کرده ام و بنده حق يك مورد خصوصی را سراغ ندارم تا امروز باطلاع من نرسیده است که بوزارت مالیه اظهار شده باشد و ما پس نداده باشیم حالما پس میدهیم پس به فرض اینکه آباء اجرا شده باشند

نمیشود گفت که نشده بنده عرض میکنم که کاملاً اجرا شده و اگر يك موردی پیدا کنید که اجرا نشده باطلاع بنده امروز برسانید فردا میدهیم

**رئیس -** آقای طاهری

**طاهری -** عرض کنم که حسن نظر آقای وزیر مالیه را همه میدانیم گمان نمیکنم در مجلس هیچیک از آقایان برخلاف این عقیده ای داشته باشد آقا حسن نظر دارید و میلتن این است که بزیب صحیح عمل بشود ولی این ماده دوم بخصوص يك مضرات فوق العاده ایجاد میکند شما اجازه میدهید در ضمن این ماده به مأمور دولت که اگر از کسی مالیاتی مطالبه کرده و او زیاد از او بگیرد بگوید آقا اگر من زیادی از تو گرفتم مطابق قانون تو حق داری که بروی شکایت کنی و پس بگیری (بعضی از نمایندگان - ابدأ اینطور نیست) اجازه بدهید. این است که تصور میکنم که بودن این ماده در قانون منتهی بودجه تولید اشکال میکند و ضرر دارد اساساً خوبست این برداشته شود و این لازم نیست اگر يك کسی دزدی کرد و دزدی او کشف شد آیا از دزد نمیکیرند و بساحبش رد نمیکند؟ یا آترام میرسد در يك خزانه میگذارند و بساحبش نمیدهند (کازرونی - پس از وقتن خزانه اگر کشف شد چطور) اجازه بدهید گرفتن يك چیز زیادی از مردم این اساساً لازم است که بساحبش بدهند اگر آمد شکایت کرد و معلوم شد این دیگر قانون میخواهد اگر از کسی چیز زیادی گرفته شد وقتیکه رسیدگی شد و معلوم شد که زیادی گرفته اند باید پس دهند این دیگر قانون لازم ندارد (افسر - این خودش قانون است) اجازه بدهید این قانون میخواهد ذکر این ماده در منتهی بودجه اصلاح خوب نیست این خودش اجازه است که زیادی بگیرند آقای وزیر مالیه نمیدانم توجه بعرض بنده دارند یا خیر؟ باضافه وقتی این ماده تصویب شد آخر شما بگفتی به هر که و ایالات و ولایات که مردم دسترس بشکایت دارند نگاه میکنید يك دقتی نمیکنید به قضایات و دهات و جاهاییکه مردم دسترس بشکایت ندارند و وجهی که گرفته میشود قابل



نیست برای شکایت و اصلاً وجود این ماده بنده تصور  
میکنم اجازه میدهد بمأمورین که زیادی بگیرند و این را  
در قری و قصبات و جاهای بیکه دسترس ندارند نشان میدهد  
میگوید که اگر زیادی گرفتیم دولت مرا مجازات میکند  
از من پس بگیرد بنابراین اساساً تصور میکنم که بودن  
این ماده تولید اشکالات میکند و خوب است این ماده  
بکلی حذف شود و بنده يك پیشنهادی دارم که اگر مأموری  
زیادی گرفت مطابق يك نظامات و مقرراتی که دارند مجازاتش  
کنند این زیادیش را هم پس بدهند محتاج به قانون و  
این ماده نیست

**مخیر (آقای دکتر طاهری)** - این ماده بمقتدیه بنده یکی از  
مواد خوب این قانون است اشکالی هم که آقایان داشتند  
این است که شاید مجری نشود و این مجوز این نیست که  
بر خلاف قانون کاری بکنند مجوز این است که اگر اشتباهاً  
يك چیزی گرفتند تخلفی کردند آن را بتوانند پس بدهند  
و اگر این قانون باشد نمیتواند پس بدهند و معلوم است  
مسئولیت او را هم زیاد کرده اند و تعقیبش را هم تصریح کرده اند  
دیگر این وحشی را که آقای طهرانی دارند رفع میشود  
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
**رئیس** - پیشنهادی از آقای فهیمی و آقای اعتبار رسیده  
است قرائت میشود:

**پیشنهاد آقای فهیمی**

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده در جمله علاوه بر  
تعقیب مأمور مذکور حذف شود.

**رئیس** - آقای فهیمی

**فهیمی** - بنده گمان میکنم این جمله اسباب این  
می شود که این ماده هیچوقت اجرا نشود زیرا موکول  
کرده اند بر گرداندن وجهی را که بر خلاف قانون گرفته  
است توأم با تعقیب مأمور مسئول و البته مأمور مسئول و  
وزارت مالیه هر دو سعی خواهند کرد که حتی الامکان  
مأمور تبرئه شود و با اینکه ممکن است مواردی پیش  
بیاید که اصلاً مأمور کار خلاف قانون نکرده باشد  
اشتباهاً يك پولی علاوه گرفته باشد چون مورد تعقیب

واقع نمیشود باید پول را پس ندهند یا اینکه مأمور در  
محل مالیاتی گرفت از نماینده مالک بعد خرد مالک هم  
این جا بود او هم يك مرتبه داد بعد معلوم شد که دو  
مرتبه داده شده است یکی را باید برگرداند حالا اینجا  
وزارت مالیه باید تعقیب شود یا آن مأموری که در ولایات  
گرفته و چون اینها هیچکدام خلاف قانونی نکرده اند  
فقط يك اشتباهی شده پس چرا باید او را تعقیب کرد  
بنابر این نباید پول را پس بدهند! تعقیب مأمور البته  
وظیفه وزارت مالیه است که هر وقت دیدند بر خلاف  
قانون مأموری عمل کرده است او را تعقیب میکنند  
پس این مربوط به پس دادن وجهی که از کسی زیادی  
گرفته شده نخواهد بود این است که بنده می فرم  
که این  
جمله اصل موضوع را از بین ببرد و پیشنهاد کردم که این  
جمله را حذف کنند و حتی کسی را اگر بر خلاف قانون  
گرفته شده پس بدهند و اگر مأموری هم خلاف کرده  
وزارت مالیه حسب الوظیفه او را تعقیب خواهد کرد.

**وزیر مالیه** - بنده میخواهم عرض کنم که از چیزی  
این عبارت آقا این معنی را پیدا کردند ولی باید ایرادی  
که در يك چیزی بنظر می آید بعد از توجه کامل باشد.  
اینکه پس دادن را موکول کرده باشد به تعقیب او این را بنده  
نفهمیدم از کجا بیرون آوردند اگر کسی بگوید علاوه بر اینکه  
فلان کار را میکنم فلان کار را هم خواهم کرد این علاوه  
بر آن معنی «موکول» نمیدهد. و این به پیشنهاد خود  
آقایان اعضاء کیسیون بود و اینکه گفته میشود در هر حال  
باید بدهند این البته وظیفه اخلاقی خود دولت است ولی  
این بولی را که اول امسال این عایداتی را که با اجازه  
خودشان جمع آوری میکنیم نمیشود داد در مقابل بولی که  
ده سال پیش از يك کسی اشتباهاً گرفته شده و خرج شده  
زیرا هر دخلی که امسال هست در مقابلش فلان خرج را  
داریم اگر در يك جائی محفوظ باشد بولی که ازش گرفته ایم  
آزاد عیناً پس میدهیم و محتاج با اجازه نیست حالا اگر  
این اشتباه از طرف کسی بشود آنچه که بنده دیدم غالباً

اینطور بود که در محل مالیات گرفته شده بود معلوم شد  
دو دفعه گرفته اند و باید رد کرد آنهم دو سال سه سال قبل  
بوده در هر صورت این از عایدات جاری امسال باید داده  
شود و اجازه میخواهد اما اینکه بعضی از آقایان در خاطرشان  
هنوز شبهه زمینیه خطور میکند که از این «اگر چنانچه»  
بر خلاف قانون گرفته شد معلوم میشود که میتوانند  
بگیرند خیر الان ما قانون دیگر داریم که حتی از عهده  
خسارت مالی و جانی هم باید برآیند خوب یکی را مأمور  
میکنیم که دزد بگیرد حالا ما اجازه گرفته ایم از مجلس که اگر دزد  
زد ما عوضش را بدهیم مثل این است که بگوئیم دزد کار خوب  
کرده و تصویب کار دزد را کردیم باشیم!! خیر دزد باید مجازات  
شود لازم نیست اجازه شما را داشته باشند. این مطلب بقدری  
بنظر من بدیهی می آید که این اجازه را اگر ندهیم  
نیتوانیم از عایدات جاری بدهیم دولت مجبور می شود  
و باید اخلاقاً هم بدهد مثل اینکه دیون میگوئیم و در  
قانون میگذاریم خوب بگوئیم دیون را خود دولت بدهد  
دیگر چرا اعتبار منظور میفرمائید در بودجه اگر مسلم  
است و محکم هم حکم داده خودش بدهد ولی باز هم  
نیتواند بدهد هر سال برای دیون هم اعتبار منظور میکنند  
برای محکومیت های دولتی هم اعتبار منظور میکنند هر  
چیزی را که اعضاء بایش میگذاریم که خزانه آن پول را  
بدهد باید اجازه از مجلس داشته باشیم که بنوانیم آنرا از  
عایدات جاری بدهیم و این برای این است که وقتی معلوم  
شد یا اشتباهاً یا بطور خلاف در گذشته گرفته شده است  
این را باید رد کنند اگر معلوم شود که خلاف کرده  
باید مأمور تحت تعقیب در آید ما برای توضیح مطلب  
اینها را اینجا گذاشتیم در پارسل هم بوده پیرار سال هم  
بوده ما بآن عمل هم کردیم و دائماً هم داریم و اگر این  
ماده نباشد نمیتوانیم از عایدات جاری بدهیم.

**فهیمی** - چون مطلب توضیح شد بنده استرداد میکنم

**رئیس** - آقای اعتبار چه طور؟

**اعتبار** - اجازه میفرمائید بنده تعقیب میکنم.

**رئیس** - بفرمائید.

**اعتبار** - بنده موافقی که در این ماده عراضم را عرض  
کردم آقای وزیر مالیه بیرون تشریف داشتند حالا استدعا  
میکنم توجه بفرمایند چون این جا وارد خصوصی را  
بعضیش نوشته شده بنده عرض میکنم این محل تردید نیست که  
همه آقایان بحسن نیت و حسن نظر و نظم فکری آقای  
وزیر مالیه معتقدند و همه معتقد و موافق هستیم ولی بالاخره  
عمل را که ایشان نمیکند عمل می افتد بدست آن مأمورین  
و متصدیان مالیات که تواید اشکال میکنند و بالاخره ما  
مجبور میشویم این جا در يك - وادی مقاومت کنیم.  
موضوع البته فوق العاده خوب است یکی از مواد خوب قانون است  
و در قوانین قبل هم مفید بوده است که اگر اضافتی گرفته  
می شده پس میدادند ولی بنده در يك قسمتی که از مؤدیان  
مالیاتی اضافتی گرفته بودند و شکایت زیادی کرده بودند  
بوزارت مالیه و مالیه محل و مؤثر واقع شده بود و بنده  
مراجعه کردند پس از شش ماه یا یک هفته که بوزارت مالیه و اداره  
عایدات مراجعه کردم و پس از اینکه چند دفعه محل نوشتند و  
صورت آن اضافتی را که اشخاص داده بودند بداره عایدات دادیم  
بعد از شش هفت ماه معطلی تصدیق کردند بکفالتش را  
گفتند وارد نیست و يك مبلغش صحیح است آن مبلغی را  
هم که گفتند صحیح است يك رایزنی خدمت آقای  
وزیر مالیه عرض کردند که اگر این مبلغ را ما بدهیم ممکن  
است نظائر پیدا کند و آنوقت باید ترتیب دیگری اتخاذ  
کنیم بنده مسبوق ندم که آقای وزیر مالیه در آن موضوع  
چه تصمیمی گرفتند ولی از آن تاریخ تا بعد که يك سال  
متجاوز است این موضوع حل نشده و اداره عایدات هنوز  
موافقت نمیکند که پول برداخت شود و بنده بطور ممانده يك چنین  
مواردی است که اینها را البته بعرض آقای وزیر مالیه فرستادند  
و در اداره عایدات متصدیان مربوطه اشخاصی را دچار  
يك اشکالاتی میکنند و بالاخره آن نظار ارفاقی آقای وزیر مالیه  
انجام نمیشود و بالاخره استفاده را که باید مردم بکنند  
نمیکند با این تفصیل بنده موافقم با پیشنهادی که آقای

اقتصادی پس گرفتند اینجا در آن مواد لیل این جمله را ما ندانستیم که تعقیب بشود آن مأموری که ابتکار را کرده است البته این را ما نمیخواهیم بگوئیم که اینطور هم نیست . يك مأموری آمده است متممداً برخلاف قانون و جوهری من غیر حق از مردم میگیرد این اختلاف حساب با اشتباه حساب بوده و پس از اینکه معلوم شد استرداد میکنند پس از اینکه این اختلاف و اشتباه حساب مورد تصدیق شد آنوقت دیگر تعقیب مأمور مورد ندارد و اگر هم مأمور باید تعقیب شود هم منحصرأ در این است باید تعقیب نمود يك وظائف و نظامانی هر وزارتخانه برای عمل مأمورین خودش دارد هر يك از آن نظامات و مقررات را مأمور متخلف کند یا بیسی وزارتخانه مربوطه آن مأمور را تعقیب کند . وزارتخانه و سالیس را هم دارد ولی بنظر بنده گذاشتن این جمله در اینجا موجب این میشود که مأموری که اشتباه کرده برای حفظ خودش غالباً مقاومت میکند و ایجاد مشکلات میکند و ایراز دلال میکند که اصل منظور ازین میروند و بدو هم مؤدی خسته میشود از دولتی و صرف نظر میکند از اصل موضوع و بالاخره ماده اجرا نمیشود .

**مخبر** - این نظر بیکه آقای اعتبار فرمودند تقریباً نقض منظور قانون است اصلاً این جمله تعقیب مأمور در لایحه دولت نبود ( انسر - بفرمائید پشت تریبون که ماکوش بدیم جواب و سؤال شخصی که نیست ) در کسب و بیرون يك عده از آقایان از قبیل آقای امیر تیمور و غیره نظریه آقای طهراني را تعقیب میکردند که این ماده مجوز این میشود که بروند و از مردم بگیرند پس باید يك چیزی اضافه شود که اگر يك مأموری گرفت آن مأمور باید تعقیب شود این برای تصریح و توضیح این موضوع است حالا اگر چنانچه آقای اعتبار ایراد دارند که مالبه چرا پس نمیدهد چرا ایراد نمیگردد که آن که زیاد میگردد چرا تعقیب نمیگردد . میفرماید اگر اشتباه شد اشتباه ندارد مؤدی در صورتی که عداً مالیات را دوجا داده و اشتباه کرده اشتباه که تعقیب ندارد مجازات ندارد مأمور مسئول در

صورتی که عداً يك اضافه بگیرد تعقیب می شود اگر کسی سهواً يك مالیات را دفته است خودش دوجا داده است این دلیلی بمأمور ندارد بنابراین اگر چنانچه متممداً تعقیب کرد و پول زیاد گرفت باید تعقیب کند و پولش را پس بدهند اینکه ضرری ندارد و اینکه فرمودند موم این فرض است وجد اسباب این می شود که پول را پس ندهند نوشته اند پس از تعقیب مسترد شود نوشته اند که علاوه بر تعقیب مالبه مکلف است که پول را پس بدهد یعنی پول را بدهد و آن مأمور را هم تعقیب کند اگر چنانچه سهواً بوده نبره می شود و اگر عمد بوده که البته باید مجازات شود و مستلزم این نیست که اگر تعقیب شد پول را پس ندهند علاوه بر تعقیب و مجازات این پول را پس میدهند و اشکالی هم ندارد .

**اعتبار** - استرداد میکنم .  
**رئیس** - پیشنهادی از آقای شریعت زاده رسیده است قرائت می شود :

پیشنهاد میکنم در ماده ۲ بجای مجاز است مکلف است نوشته بشود

**شریعت زاده** - بنظر بنده ماده که مورد بحث است یکی از مواد بسیار خوب و مفید است برای اینکه نماندند دو نظر است یکی اینکه دولت و مجلس شورای ملی تقویت می کند روح عدالت طلبی و روح مخالفت با اعمال خلاف قانون را و یکی اینکه دولت که چنین روحی را دارد و مجلس هم که چنین اراده را دارد باید اجازه بدهد بدولت که پردازد و این اشکالی ندارد تذکری هم که راجع بمأمورین دولت داده شده است اگر چه قوانین راجع باین موضوع وجود دارد اما این تذکری هم که داده شده اشکالی ندارد بنده نظری که داشتم مسئله تقویت این حسن نیت است به موجب این ماده که کلمه مجاز است را تقریباً می شود تغییر کرد باختیار ولی اگر مکلف است باشد این مؤکد و مؤید نظر دولت است باین جهت این پیشنهاد را کردم .

**رئیس** - آقای عراقی  
**عراقی** - بنده تصور میکنم با آن شامه قانونگذاری که در آقای شریعت زاده است بایستی این پیشنهاد را

فرمائید . کلیتاً لنت (مجاز است) که در قوانین نوشته می شود عیناً یعنی (مکلف است) می باشد هر جا هم که میگوئیم دولت مجاز است خود این معنی مکلف کردن دولت است نه اینکه معنایش این است که دولت حالا که قانون گذشت دل خودش است اگر دلش خواست آن قانون را اجرا کند اگر دلش نخواست اجرا نکند نه هر قانونی در مجلس آمد و تعویب شد دولت مکلف است آن قانون را اجرا کند این (مجاز است) خیال میکنم معنای مکلف را دارد در تمام قوانین هم جمله (مجاز است) را داریم که معنی تکلیف را دارد

**ولی** - اساساً قصد این است که این پول را بدیم برای هدین هم این قانون را آورده ایم و باید هم داده شود شکی نیست و بنده هم مخالفت اصولی ندارم باینکه مکلف است توپسند و مجاز است توپسند حرفی ندارم ولی کلیتاً این يك عبارتی است معمولاً برای خرج یعنی دولت يك چیزی را میخواهد بکند خودش که مصمم است بکند تا اجازه از يك محل دیگری نیاید که نمیتواند بکند بنده که خودم قطعاً مصمم هستم و میخواهم بکشم ولی نمیتوانم چون متضمن خرج است و خرج همیشه اجازه میخواهد یعنی بودجه و خرج ممالک است که از خزانه يك خرجی میکنم اجازه میخواهد که از مجلس بگیریم طرح قانونی نیست که مادر خبانی نبوده ایم و يك قانونی ایجاد کرده باشند و از دولت بخواهند که این کار را بکند آنوقت توپسند حتماً شما مکلفید که این کار را بکنید خودش که میخواهد بکند ولی اجازه ندارد این است که در قوانین خرج همیشه مینویسند (مجاز است) بنده اصولاً مخالفتی ندارم ولی مراجعه بفرمائید در همه موارد مینویسد وزارت مالبه مجاز است مثلاً مخارج راه آهن را بدهد نمیتواند بگوید ندیم میخواهد بدهد که اجازه بگیرد

**رئیس** - آقایان بیکه پیشنهاد آقای شریعت زاده را ...  
**مخبر** - اجازه بفرمائید ؟  
**رئیس** - نظر آقای مخبر چیست  
**مخبر** - بنده عقیده دارم که آقای شریعت زاده پس بگویند چون نظرشان تأمین است و هم منظور که توضیح

دادند مقصود از اینکه دولت مجاز است ابتکار را بکند این است که بایستی بکند  
**شریعت زاده** - اجازه بفرمائید ؟  
**رئیس** - در پیشنهاد يك مرتبه باختصار میتوانیم توضیح بدهیم

**شریعت زاده** - بنده نظری ندارم يك اشتباهی است میخواهم توضیحی بدهم اینجا اضافه شده است علاوه بر تعقیب مأمورین دولت و این جمله در لایحه دولت نبوده دولت مجاز است که مأمورین متخلف را تعقیب بکند هزاران مأمور هستند که متخلفند و تعقیب نمی شوند اینجا مقصود این بود که اراده مجلس اظهار شود و تکلیف بایستی داشته باشند بنابراین وقتی تکلیف آمده است اجازه در ضمن آن هست مجلس دولت را مکلف میکند که از عایدات جاری بدهند و این قبیل مأمورین تعقیب شوند بنا بر این بنده میدانم چرا آقای مخبر با این کلمه موافقت نمیکند

**ولی** - مالمی ندارد ما هم موافقیم  
**مخبر** - عرض کردم منظور این متحد است و باین جهت قبول میکنم

**رئیس** - پیشنهادی از آقای طهراني رسیده است قرائت می شود :

**طهراني** - بنده استرداد میکنم  
**رئیس** - پیشنهادی از آقای طباطبائي رسیده است این آخرین پیشنهاد است :

پیشنهاد میخایم ماده دو بطریق ذیل اصلاح شود ماده ۲ - وزارت مالبه مجاز است آنچه را که از عایدات و جوهری که از سنه ۱۳۰۲ تا آخر ۱۳۱۰ وصول الی آخر **طباطبائي** - بنده در موقع اجازه خواسته بودم که توضیحی را لازم میدانم بم آقای وزیر مالبه بدیم ولی چون مذاکرات کافی شد و نوبت به بنده نرسید نمیتوان پیشنهاد دادم اینست که يك توضیحی آقای وزیر مالبه بدهند و این ماده انتهایش معلوم است ولی ابتدایش معلوم نیست و جوهری وزارت مالبه گرفته است از مردم بخلاف قانون در چه سنه ۱۳۰۲ از چه سنه باینطرف باید بآن شخص

رد کنند؟ این معلوم نیست ممکن است بعضی ها بگویند از بیست سال سه سال پیش از این هم يك و چوهر بخلاف قانون از ما گرفته شده باید بدهید ممکن است مالیه هم سوء تعبیر کنند که چون ابتدا معلوم نیست حدود سنوات نزدیک به ۳۶۰ است مثلاً سال ۳۱۷ یا ۳۰۸ است اگر توضیحی بدهند بنده اصراری ندارم و پیشنهاد خودم را پس بگیرم چون انتهایی معلوم است ولی ابتدا معلوم نیست کی است و از چه سنواتی از مردم بخلاف قانون چیزی گرفته اند و میخواهند رد کنند

**وزیر مالیه** - اولاً در جواب آقا عرض میکنم از زمان کوروش بزرگ تا حالا هر چه گرفته اند پس میدهند (خنده نمایندگان) این معانی که باین الفاظ میدهند اصلاً معانی را تغییر میدهند و قوانین متزلزل میشود بفرمایند در وزارت مالیه همچو معنایی میشود و این معنی را هیچکس نباید و آنوقت ممکن است بگویند از بزرگان اعضاء مجلس هم این عقیده و این نظر را داشتند چیزی که اولش پیدا نیست و آخرش پیدا است یعنی که اول ندارد

**طاهر آقا** - بنده پیشنهادم را پس بگیرم **ولیس** - رأی میکنیم بماده دوم یا تصویب کنیم حسب پیشنهاد آقای شریعت زاده شد که آقای غنوی وزیر مالیه هم قبول کردند موافقت قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

**ولیس** - تصویب شد ماده سوم فرات میخورد: ماده سوم - وزارت مالیه مجاز است طلب مسلم و رسیدگی و تصدیق شده اشخاص را از دولت که در حدود اعتبارات مربوطه باشد در مقابل بدهی همان اشخاص اجتناب و در بودجه عایدات و مخارج ۱۳۱۲ جمع و خرج نماید و نیز مجاز است اولاً - دیون قلمی و مسلم تا آخر ۱۳۰۵ دولت را که در حدود اعتبارات سنوات مربوطه یا بواسطه پیش آمدهای غیر اختیاری و غیر قابل اجتناب علاوه بر بودجه ایجاد شده است و همچنین مسمریات و شهریه های مربوطه بعد از ۱۳۰۵ را از

اجازه پرداخت داده شده و همینطور صدی چهل از اصل طلب اشخاصی که صدی سی اجازه پرداخت داده شده بود این را میخواستم توضیح بدهم که اجازه پرداخت داده شده بود بپرداخته شده بود معلوم خود که آن اجازه که سابقاً داده شده بپرداخته شده با خبر پرداخته شده بواسطه اطلاع آن صدی است که اجازه داده شده داده اند یا بداده شود و از آن گذشته اشخاصی که صدی سی اجازه داده شده و پرداخته شده صدی چهل پرداخته شود و با اشخاصی که صدی چهل پرداخته شده صدی است که این نظر است

**وزیر مالیه** - این ماده یک قدری مفصل است و توضیح هم میخواهد و میدانم چندین اشکال دیگر هم غیر از آقای طهرانچی آقایان دیگر هم ممکن است بکنند این است که توضیح عرض میکنم از او آخر ۳۰۹ یعنی چند ماه بعد از اینکه بنده متصدی وزارت مالیه شدم در ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ این قانون را گذاشتم و اینهم برای ۳۱۲ است يك مبلغی در بودجه ملاکتی منظور میکنیم که دیون دولت داده شود دیون مسلم و رسیدگی شده و متوالیا رسیدگی میشود و تمام میشود و انشاء الله یکی دو سال دیگر شاید بکلی تمام شود و دینی نداشته باشیم. ابتدا سال اول اینطور قرار گذاشتم که آنوقت تقریباً ۱۸۳۰ یا ۱۸۴۰ اینقدرها طلب مسلم بوده وقتی رجوع کردیم دیدیم ۱۴۱۸ تا گویا آنطور که یادم است میان يك تومان و صد تومان بود و ۲۸ هزار تومان میشود داد دفتر ها يك و میشود و دالر دیون کوچک میشود با یازده هزار تومان دیگر هم آنچه میان صد تومان و پانصد تومان است صدی بیست و نه را میشود داد بنامش که آنرا هم صدی بیست و نه سالهای بعد هم همینطور صدی بیست و نه تا تمام شود ولی يك استثناء کردیم گفتیم طلب همه طلب است و دین هم دین است ولی یک قدری قوت و ضعف هم دارد يك کسی مثلاً در هفت سال پیش حقوق انتظار خدمت دارد و يك کسی هم در سال گذشته ذغال فروخته است دولت گفتند که چون انجمن نوروز

دوره این دوره عهده گذارده است و این هم میباشد و میبرد و پولش را میخواهد آنچه که جزو طبقه اولی بود گفتیم تا پانصد تومان را صدی بیست و نه بدهیم آنکه جزو طبقه دو بود صدی سی دادیم تا پانصد تومان که صدی بیست گرفته بودند يك صدی بیست دیگر دادیم آنها هم که صدی سی گرفته بودند يك صدی سی دیگر هم دادیم پس از آن دوره ها صدی چهل میباشد و از آن اولی ها صدی شصت که يك میشود تا پانصد تومان کل از يك تومان تا پانصد تومان که مدهول اینها نیست بتدریج رسیدگی کردیم آنها را هم میتوانیم بدهیم و کافی است حسابش شده تمام را میتوانیم بدهیم آنوقت بماند برای بالاتر از پانصد تومان برای آنها هم در این دو سال دیگر همین معامله را کردیم برای قدهای ۴۰۰ يك چیزی که باقی میباشد يك چند نفری پیدا شد که خیلی بیشتر اهمیت داشته از حيث استیصال از حيث پریشانی این را بنده چون تحت قاعده نمیباید و وکل بتصویب هیات وزراء کردم در ۱۳۱۰ هم کردیم در ۱۳۱۱ هم کردیم و يك است از طلب آنها را دادیم این هم در قسم میشود یعنی آنها را که از پانصد تومان بالاتر است آنچه که از این پول باقی است اگر وزارت مالیه خواست خودش بدهد باید بجاری مساوی بدهد بنده خودم بدهم این بیکریم کسی را بطور استثناء بدهم ولی اگر مساویاً دادیم فرناً تقسیم کردیم و صدی ده رسید ولی يك چهار پنجم نفری است که بالخصوص طرف اهمیت و توجه است از حيث شدت استحقاق این را بتصویب هیات وزراء بدهیم اما آنچه که در آخر راجع بطلب حاج ابراهیم و اسناد جعفر و اینها نوشته شده اینها قلاع نظامی ساخته بودند در اعملش هم تمام شده آن بودجه هم وجود ندارد اعتباری هم وجود ندارد ولی چون بعد از ۱۳۰۷ است و این قدهای که این جا ذکر شده همه راجع به آنهاست که قبل از ۱۳۰۵ است و شاملش نمیشد لذا این را بالخصوص ذکر کردیم ولی برای باقی آنها که بعد از ۱۳۰۵ است

الته چون ارسال و پیر ارسال هم توضیح داده شده  
 آقایان مسبقه که مالک تربیتی داریم که سالهای آخر  
 را خود وزارتخانه ها در بودجه شان بگذارند اینجا يك  
 رسمی شده بود میگفتند فلان آدم مأمور وزارت داخله از  
 وزارت مالیه طلب دارد بنده اول معینش را هم نمیفهمیدم  
 میگفتم مگر مأمور وزارت مالیه است بعد معلوم شد موضوع  
 دولت میگویند وزارت مالیه گفتیم از وزارت مالیه طلب  
 ندارد از خود وزارت داخله دارد گفتیم خود وزارت  
 داخله باید نوب بودجه خودش بگذارد و اگر هزار  
 تومان هم در هر سال بگذارند یا بعد تومان هم بگذارند  
 اینها در هر وزارتخانه نفعیه می شود و اصرار کردیم که  
 آقایان علاوه بر این اعتبار هر کدام در بودجه خودشان  
 هزار تومان دو هزار تومان سه هزار تومان گذاشتند خود  
 وزارت مالیه هم میدهد. يك چیزهایی هم پیدا می شود که  
 به جا که رجوع شده آن يك فصل دیگر در بودجه  
 ممالکتی دارد که آنهایی که از پنجاه هزار تومان حکم  
 صادر شده لازم نیست از دیون بدهیم از آن محل بدهیم  
 و تصور میکنم آن موضوعی را که آقای اعتبار تذکر  
 دادند حالا نمیتوانم عرض کنم که جزء افلامی است که  
 جزء محکومیت دولت است ولی اگر از آن محل هم  
 نباشد بنده يك راهی بری آن پیدا میکنم.

رئیس - آقای شریعت زاده فرمایشی دارید.

شریعت زاده - بنده عرضی ندارم.

رئیس - پیشنهادی از آقای اعتبار رسیده است.  
 جمله ذیل را پیشنهاد میکنم در ذیل ماده سه اضافه شود  
 در سفر آخر پس از عبارت مربوط به سال ۱۳۰۷ است اضافه  
 شود و همچنین اشخاص دیگری که بابت سال ۱۳۰۷ در  
 مقابل خدمت انجام شده از دولت طلب دارند و طلب  
 آنها مورد تصدیق است.

اعتبار - اینجا بنده یادآوری میکنم آقای وزیر مالیه را  
 که خودشان سابقه دارند هم منظور که عرض کردم دو  
 نفر از بناهای بروجردی برای ساختمانهای که برای  
 عمران لرستان شده کار کرده اند و مابقی طلب دارند  
 و طلب آنها پس از اینکه مجلس را اظهار کرده اند

وزارت مالیه و تحقیقات و رسیدگی شده يك مجلس را  
 تصدیق کرده اند و برای پرداخت آن از محل این اعتبار  
 گویا چیزی باقی نمانده بود که این را بردارند باین  
 جهت پرداخت نشد و این هم مثل همان اشخاصی است  
 که آقای وزیر مالیه اینجا اسم بردند بنده اضافه کردم  
 که اگر يك چنین اشخاصی هم باشند که طلبشان هم  
 مورد تصدیق است بتواند به موجب نهادهای بردارند که  
 آنها هم بحق خودشان رسیده باشند و بعد هم این  
 قسمتی را که آقای وزیر مالیه فرمودند که بنده گفته ام  
 در اثر فشار و مضیقه بحق خودشان رسیده اند بنده  
 نظرم این نبوده است که اینها را آقای وزیر مالیه بر اثر  
 فشار و مضیقه در بودجه گذاشته اند بالاخره ایتهاد طهران  
 وسائل داشته اند خودشان آمده اند در وزارت مالیه و  
 خدمت آقای وزیر مالیه رسیده اند و يك تذکرانی داده اند  
 و متوجه شده اند در بودجه گذاشته اند این را بنده فشار و  
 مضیقه تلفی نکردم این اشخاص چون مدتی در طهران  
 بوده اند و بدهم که خسته شده اند و رفته اند میافش هم  
 گویا مقصد تومان است مقصد و خوردن اش را تصدیق  
 کرده اند

وزیر مالیه - این پیشنهاد را اگر ماقبول کنیم تمام این  
 تزیب را مخدول میکند ممکن است آن دولتی را که  
 در نظر دارید بفرماید از بودجه عمران لرستان داده  
 می شود منظور بنده این بود که آنچه مربوط به ۱۳۰۷  
 است از هر بابت طلب داشته باشند آنهم يك تربیتی داشته  
 باشد ماده اینجا بعد از ۱۳۰۵ را هم در نظر گرفته ایم  
 و این سه سال است که در جریان است تمام هم می شود  
 عموم وزارتخانه ها هم دارند و این يك کاری است که  
 قلاع نظامی یا عمران يك وزارتخانه مستقیماً مربوط  
 نمی شود این را البته باید منظور کرد و حق دارند عرض  
 کردم اگر در نظر دارند و حاضرند باسم آن اشخاص  
 را بگذاریم و اگر در نظر ندارند ممکن است يك فرمولی  
 بگذارند که اشخاصی که از بابت عمران مثلاً طلبشان  
 مسلم است ما بدهیم.

اعتبار - ممکن است آقای ویداحمدی پیشنهاد را بطور  
 اصلاح فرمایند: بابت سال ۱۳۰۷ در مقابل ساختمان قلاع  
 لرستان از دولت طلب دارند و طلب آنها تصدیق شده

پیردازند (مؤید احمدی - بسیار خوب) و همچنین اشخاص دیگری  
 که بابت سال ۱۳۰۷ در مقابل ساختمانهای قلاع لرستان  
 از دولت طلب دارند و طلب آنها مورد تصدیق است.

وزیر مالیه - بلی صحیح است. قبول میکنم

رئیس - نظر آقای مخبر؟

مخبر - موافق قبول میکنم.

رئیس - آقایانیکه با اصلاح پیشنهادی آقای اعتبار با ماده  
 سوم موافقت دارند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم قرائت میشود.

ماده چهارم - حد اقل مقرری رتبه يك مستخدمین  
 کشوری ۳۲۰ ریال و حداقل رتبه يك قضائی ۵۰۰ ریال  
 می باشد ولی در ۱۳۱۲ به حقوق عموم مستخدمین دولتی  
 دون رتبه و رتبه يك و دو و ردیف افراد نظریه (باستانی  
 مستخدمین کترانی) پست ریال در ماه اضافه می شود و  
 این اضافه از اعتباری که ضمن بودجه های تفصیلی  
 وزارتخانه ها و ادارات تحت ماده مربوطه منظور شده  
 تأدییه خواهد شد و هر گاه اصل حقوق مستخدم مزبور  
 از اعتباری که يك قلم تصویب شده پرداخت گردد اضافه  
 پست ریال مستخدم مزبور نیز از همان اعتبار باید  
 داده شود.

رئیس - آقای رهنما.

رهنما - در ضمن مذاکره که نمایندگان محترم در کلیات این  
 لایحه متمم بودجه بحث کردند بعضی از آقایان تذکری  
 راجع بنامه چهار دادند ولی آقای مخبر هم حسب الوضیحه  
 و آقای وزیر مالیه هم که تقدیم کننده لایحه هستند از  
 نظر خودشان مدافعه کردند بنده متأسفانه به ان  
 عقیده سابق خودم که در کمیسیون بودجه عرض کردم و  
 آقای وزیر مالیه مسبقه هستند باقی هستم و این ماده را  
 يك ماده میدانم که حقیقتاً انصاف و عدالت در آن رعایت  
 نشده است این ماده را وقتی که با ماده ۱۸ همین لایحه  
 مقایسه کنیم يك تضاد عجیبی که فقط در ادبیات مطلوب  
 است و در قوانین و نظامات مطلوب نیست می بینیم. ماده

چهارم راجع بحقوق مستخدمین مادون رتبه و يك و دو  
 است با حد نازل و پائین و کم یا این کرانی زندگانی کرانی  
 ارزاقی باین کرانی اجتناب خارجی که يك مستخدمی  
 پانزده سال خدمت کرده است تازه هیچده تومان باو  
 میدهند آنوقت ماده ۱۸ تبدیل باحسن آنوقت تبدیل هستی  
 وزارتخانه هست بنده نمیدانم چه شکل ممکن است باین ماده  
 رأی داد يك عده در پشت اطاق ادارات دولتی یادداشت  
 عالیه در مقامهای فقر و بدبختی هستند و ما بآنها كك بدهیم  
 در عین حال بنامه هیچده که میسریم وزارتخانه مجازند  
 در موقع لزوم با موافقت وزارت مالیه اتانیه و وسائط تقایه  
 و ماشین آلات مستعمل خود را بلك اعتبارات مربوطه خود  
 در صورت لزوم تبدیل باحسن از همان نوع نمایندند بنده  
 حقیقتاً تفاوت این مسئله را بفکر روشن و قلب يك  
 آقایان نمایندندگان و آگذار میکنم و حقیقتاً در اطراف این  
 ماده باید يك فکر متبینی کرد يك فکر قاطعی کرد البته  
 آقای وزیر مالیه يك مدافعاتی از لایحه خواهند کرد و  
 ما هم در عین اینکه ورقه میدهیم و رأی میدهیم و تصویب  
 میکنیم دارای يك مسئولیت وجدانی هستیم که باید  
 تذکر بدهیم.

وزیر مالیه - مطلبی را که آقای رهنما فرمودند البته

يك تکلیف اخلاقی است و از لحاظ کرانی معیشت و اینها  
 دلوزی و تأثیر برای ما مورین دولتی دارند البته مدوح  
 است و این کار اشل که در قانون بودجه میآید در واقع  
 مثل همان فرمایشاتی بود که بعضی آقایان میفرمودند که  
 این در ضمن يك قانون عمومی باید باشد و این هر سال  
 تکرار میشود که اگر تکرار نشود تکلیف معلوم نمیشود  
 باید در قانون متمم بودجه بیاید و اینکه در اشل مستخدمین دولتی  
 يك تغییراتی بشود يك کار بسیار مهم و اساسی است و کاری است که  
 خیلی باید مطالعه شود و بطور صحیحی انجام بگیرد البته  
 متضمن مخارج مهمی هم هست و بنده نمیگویم که لازم  
 نیست و با اصول فکر و نظر مساعد آقایان نسبت به مستخدمین  
 با کرانی و سنگینی موافق هستم اما البته اینرا یقین  
 دارم که برای تذکر فرمودند که مکرر هم تذکر داده شده است

جای خودش را باز میکند این مثل است بین آقایان ترکها بنده نظر باین مقدمه و تذکره مقدم که در این مورد زیننده و شایسته است که قدری در اطراف این مسئله بحث و مذاکره شود بلکه بگمراه چاره برایش تدارک شود. ملاحظه فرمائید در ده سال قبل از این در یازده سال قبل از این قانون استخدامی برای خاطر استخدامین گذشت و در یازده سال قبل از این که این مبلغ معین شد برای حقوق آنها مثلا و زرای آنوقت با وکلای آنوقت خواب ندیده بودند که سی و دو تومان برای آنها معین کنند یا چهل و دو تومان معین کنند بلکه عقلا و زمامداران آنوقت قیمت اجناس را در نظر گرفتند حداقل پارچه، پست و تروحد اعلا، پارچه عالیتر همینطور اغذیه و همینطور در کرایه خانهها حداقل و اگر در نظر گرفتند و آنوقت یک حدی را برای مستخدمی که شروع با استخدام میخواهد بکنند در نظر گرفتند و این مبلغ را برای آن مستخدم معین کردند و آنروز واقعا درست بوده اگر حقیقت انصاف نبوده وای نزدیک با انصاف بوده عدالت بوده از آن تاریخ تا بحال یازده سال است حوائجی که مردم در آن تاریخ بان حوائج حاجت مبرم داشتند یکایک را آقایان بخاطر دارند که در همین مجلس بر آن حوائج عمومی چیزهایی مزید شد فرض کنیم در یازده سال قبل از این که ما ۳۲ تومان برای مستخدم فرض کردیم قند دارای آن عوارض نبود چای دارای این عوارض نبود و پول ماه این نکس را نداشت که در مقابل او ترفنی باشد برای سایر اجناس که از خارج میآید و مردم احتیاج دارند که آن اجناس را صرف کرده باشند حالا نظر باینکه آن مبلغ آنوقت نزدیک با انصاف بوده و در این یازده ساله هم بر آنها مزید شده می اضافه شده تا باین پایه حالبه رسیده حالا ما منتظران این باشد که چون در ۳۰۲ مثل ۳۲ تومان بوده ۳۰۳ هم بنظر نا رسیده به ۳۱۲ ما روی این مبلغ با بنسیم و همین مبلغ را تصدیق کنیم برای مستخدمین مستخدمینی که اگر یکشاهی آنها اضافه از مردم بگیرند ما فوراً کریبان آنها را میگیریم برای یکشاهی قانون میآوریم که سه شاهی از شان بگیریم و علاوه دارد علاوه اش این است که برای یکشاهی

مورد تصدیق هم هست ولی عملا نمیشود کاری کرد برای بودجه مملکتی همان اعتبارات را ما در دست داریم و همان چیزی که تصویب شده مامینوایم بدهیم برای اینکه اشل و رتبه های پائین را بالا ببریم البته يك وجه مهمی لازم است که آنرا باید در خود بودجه مملکتی گذاشت و در آن بحث کرد و مراجعه و اشاره که بماده ۱۸ فرمودند در کبسیون هم فرمودند و بقدر کافی بنده توضیح دادم که واضح هم شد شاید اصل مطلب را نخواهند فرمایند خود انومبیل این در جای خودش صحیح است ولی ماده ۱۸ مربوط باین نیست مقصود این است که اگر اجازه انومبیل دارند بعد از آنکه تصویب کردند اگر خراب شد درست کنند تعمیر کنند ولی در باب اشل بنده چیزی زیاد تر عرض نمیکنم برای اینکه تأثیر مهمی در بودجه دارد البته این تذکرات مفید است و در جای خودش هم باید نتیجه بدهد و حل شود.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - بنده بیانات آقایان رفقای خودم را راجع بماده چهار چه در وقتی که راجع بکلیات مذاکره بود و چه حالا که راجع باین ماده بخصوص مذاکره هست شنیدم چنانکه همه آقایان شنیدند جواب منین آقای وزیر مالیه را هم شنیدم مثل همه آقایان با وجود این عرضی دارم و اگر یکی از آقایان اعتراض کنند که ممکن است که عین آن جواب برای تو هم تکرار شود بنده يك چیزی از آقای وزیر مالیه یاد گرفتیم در دو سال قبل يك شبی در ایام ماه رمضان در دو سال قبل از این این جا يك لایحه مطرح بود راجع بمنیجات و کشف اشیاء زیر زمین آقایان که در اینجا مذاکره میفرمودند آقای وزیر مالیه فرمودند بعضی از مذاکرات و کلیه مذاکرات در تمام يك فائده مسلمی دارد و آن این است که یکجای مخصوصی در مغز شنونده باز میکند يك خانة مخصوصی در دماغ شنونده ایجاد میکند قرآن کریم و سایر آیات هم اینطور را دارند که بگویند آن کفته جای خود را باز میکند میگویند آتش هر جا بیفتد

که اضافه گرفته حبس میکنیم استنطاق میکنیم چه کارها میکنیم آنوقت قانون هم داریم و بعد از آنکه آن یکشاهی را سه شاهی ازش گرفتیم میگوئیم تو از هر حقی که در این مملکت است محرومی یعنی تو تا عمر داری اگر ۹۷ سال هم عمر کنی دیگر از این عمر و از این مجری نمیتوانی نان بخوری آنوقت به آن شخص هم تحمیل میکنیم یاد گرفتن پنج هزار ماده را آنوقت این مواد و این دستور العمل و وزارتخانهها را حفظ کردن اینها را در مقابل يك اجرتی باید یاد بگیرد من بخاطر دارم يك کسی به پسرش میگفت هر شعری بگوئی يك قران بتو میدهم بعد کم کرد شعری دهشاهی پسرش بعد زیاد شعر می گفت شعری یکشاهی میداد شعری يك شاهی بالاخره يك قیمتی داشت وقتی که يك شعر را يك شاهی میداد بالاخره يك مبلغ شعر الان دست شما هست که الان يك کتاب بزرگ شده است باسم حمله حیدری این یاد گرفتن مواد قانون و نظامنامه باز مبالغی پول لازم است که داده شود تا مستخدمین آن مواد را حفظ کنند پنج هزار ماده را ما تحمیل میکنیم به مستخدم که او باید بداند و بکیش را هم که نداند می افتد در چاه و چاله بواسطه ندانستن گیر میکند و می آید در محکمه جزای عمال دولت و آنچه جزای سخت باو میدهیم این آدم را که این همه جزای سخت میدهند حق هم داریم که بدهیم باید بقدر مقدور و بقدر متعارف معاشش را تامین کرده باشیم ما در تمام جزئیات و کلیات این مملکت وقتی درست پارک میشویم می بینیم نظر اعلیحضرت همایونی متوجه این نکات هست چنانکه سال گذشته بخاطر داریم که برای مستخدمین دون اشل و رتبه يك و دو از طرف اعلیحضرت همایونی عنایتی شد و بهر کدامشان بیست ریال داده شد چرا؟ برای اینکه نوجهی داشتند که این ها خیلی ضعیفند و زندگانی آنها خیلی بد است و این بیانی را که آقای وزیر مالیه فرمودند راجع به بسته شدن بودجه و تصویب بودجه از مجلس آنهم تا حدی قابل رعایت است اما يك حد مشترک ممکن است در نظر گرفت با بقول یکی از رفقا ممکن است يك

وجه حل در نظر داشت و آن اینست که بیاییم يك طرزی برای مستخدمین از رتبه ۱ تا رتبه ۵ معین کنیم که تقسیم و مناسبت بین رتبه ها با نظر کبسیون بودجه تعدیل شود و يك نظری اتخاذ کنیم که در پایان و در نتیجه يك مبلغ زیادی تحمیل به بودجه نشود این ممکن است که در ترتیب رتبه بندی قانون استخدام يك تجدید نظری بشود که آنوقت در نتیجه هم تامین شده باشد زندگانی ایشان هم تحمیل بر رقم خرج بودجه نشده باشد که يك تحمیل شایان و غیر قابل تحملی باشد این حاصل عرایض بنده است راجع باین ماده حالا انشاء الله يك خانه باز کرده است در قلب آقای وزیر مالیه

مخبر - اگر چه وضعیت گرانی طوری است که دفاع از این ماده و جواب فرمایشات آقایان مشکل است ولی عرض میکنم اشل معین کردن مقصود این نیست که شخصی که ده سال پیش حقوقی داشته حالا هم زیاد تر بار نمیدهند مقصود از اشل همان تناسبی است که فرمودید در قانون استخدام منظور شده است یعنی باید رتبه اول را بگیرند و بآن تناسب بروند بالا و این چنانکه مکرر اینجا مذاکره شد که ده سال پیش فلان مستخدم ۳۲ تومان حقوق داشته است و حالا هم سی و دو تومان این طور نیست آن مستخدم حالا سی و دو تومان حقوق ندارد حالا پنججاه و دو تومان حقوق دارد و ترقی کرده است بعلاوه این چیزی که اینقدر از صبح تا بحال مطرح است که اشل را سی و پنج تومان بکنند لازم نیست که اشل سی و پنج تومان باشد بنده نه اینکه مخالف این باشم که اگر بشود اشل را بهم زد بنده همان منظور حضرتعالی را از راه دیگر حل میکنم همان مطلبی را که خودتان فرمودید که بودجه بسته شده است در پیش است خوب سه تومان که اضافه بدهیم به رتبه يك این همان منظور شما حاصل میشود و لازم نیست که ما دیگر قانون استخدام را بهم بزنیم حالا در این عمل منظور شما از راه دیگر عملی میشود که سی و دو تومانی بشود چهل و دو تومان شما تقاضا بکنید که اضافاتی که باید به مستخدمین داده شود اعتبار آن در

بودجه تفصیلی منظور شود این فرقی نمیکند همان منظوری که دارید عملی میشود و مقصود همه ماها که مساعدت با مستخدمین است بعمل خواهد آمد اشل میخواید سی و دو تومان باشد یا ۳۵ تومان باشد اگر چنانچه ترفیع و اضافه برای آنها منظور شود فرضاً سه تومان اضافه شد میشود سی و پنج تومان و پنج سال دیگر هم همینطور باقی بماند حالا منظور بنده این است که از راه دیگر درست شود بودجه ها که بکمیسیون می آید این ترفیعاتی که منظور میشود همان کمکی است که به مستخدم می شود نه اینکه آن کس که ۱۵ سال پیش سی و دو تومان میگرفته است حالا هم ۳۲ تومان بگیرد این حالا شده رئیس یک اداره همانند بنده مخالف نیستم که کمک هائی بشود و کمک واهی معین است که بنده عرض میکنم یعنی آن کسی که شما میخواید سه تومان بدهید همان رعایت در باره او میشود اگر استحقاق دارد يك ترفیعی بهش میدهند و همان اضافه حقوق میشود و بعقیده بنده نظریاتی که آقایان مذاکره میکنند بسیار خوب است که جلب توجه وزارت مالیه و دولت را نسبت به مستخدمین میکند که برای اجرای ترتیب اضافاتشان يك مساعدتهای بیشتری بکنند و عجلاناً از مضيقه مالی فراغت حاصل کنند که بعد سر فرصت همین مذاکرات موجب شود که در قانون استخدام آنچه را که راجع باین قسمت است يك تجدید نظری درش بشود

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده موافقم. اجازه میفرمائید بعد از يك مخالف صحبت کنم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده عراضم را راجع باین ماده عرض کردم و حالا هم عراض زیادی ندارم و خیال میکنم اگر باظهارات ما توجهی بشود خبلی وارد است ما نظرم آن این بود که مستخدمی که ده سال قبل ۳۲ تومان میگرفته حالا رتبه ۲ پیدا نکرده یا رتبه ۳ بعقیده بنده اگر مراجعه

مالیات پول بگیرد و بدهد به مستخدمین و علاوه بر اینها يك مطلبی را عرض میکنم و آن این است که مجلس شورای ملی و وزارت معارف این مملکت باید يك کاری بکنند که حرفه های آزاد ایجاد کنند و مردم بی کار های آزاد بروند نه این که نوکری دولت را تشویق کنند شما باوجود اینکه میگوئید اشل پائین است و مخارج مردم هم سنگین است باز چقدر برای استخدام درات داوطلب هست و تمام مردم یعنی کاسب ها بچه بقال ها بازاریها سعی میکنند که بروند نوکر دولت بشوند این خوب نیست و حالا هم اگر شما بوسیله از دیاد حقوق باز آنها را تشویق بکنید بعقیده بنده آن حرفه هائی که عامل حیاتی مملکت است یعنی زراعت و تجارت و صنعت از بین میرود فقط بعضی از آقایان رفقای کمیسیون بودجه ما يك نظری داشتند که آن نظریه بعقیده بنده صحیح است که به رتبه های يك و دو و سه و چهار و پنج اضافه شود و در عوض تفاوت مابین پنج و شش و هفت و هشت و نُه کمتر شود یعنی اینکه مثلاً صاحب رتبه ۹ سیصد و دوازده تومان بگیرد فرض بفرمائید دویست و شصت تومان بگیرد و آنوقت رتبه پائین عوض سی و دو تومان سی و هفت تومان بگیرد و این نظر صحیح است و کسی نیست که با این طرز مخالف باشد و بعقیده بنده دولت يك کار خوبی که کرده است این است که به رتبه های يك و دو و دون اشل اقلأ دو تومان زیاد داده است.

اورنگ - پس با بنده مخالف نبودید.

رئیس - آقای معذل

معذل - عرض کنم که بنده در قسمت بیان آقای دشتی نظر موافق ندارم برای اینکه در نطق افتتاحیه که عالیحضرت همایونی در مجلس فرمودند و سر لوحه عملیات دوساله ما است تهذیب اخلاق عمومی را جزء وظایف قرار داده است و روی مرقه طبقه نوکریاب و مستخدمین دولت سرمشق و نمونه هستند برای تهذیب اخلاق عمومی ما از افراد قطبیه از امتیه از معلمین مدارس چه میخواهیم؟ میخواهیم که

این مردم را تربیت بکنند يك تفری که حقوق کافی ندارد چطور میتواند مرمی و معلم واقع شود بقول شیخ مدعی شب چو عقد ناز میبندم - چه خورد با ماد فرزندم . ما باید ابتدا بتوانیم حقوق کافی بدهیم تا اینها بتوانند سرمشقه های خوب و مربیهای خوب برای مردم دیگر بشوند ولی اگر معتقد باشیم که بطور کلی حقوق مستخدمین دولت را اضافه کنیم خارج از وظیفه این جا نطق میکنیم و حرف میزنیم زیرا ما پیشنهاد خرج مطابق قطبیه نامه نتوانیم بکنیم ما میخواهیم تعدیل کنیم این رتبه ها و این اشل را یعنی میگوئیم رتبه يك و دو و سه را اضافه میکنیم و از رتبه شش و هفت و هشت و نه میکاهیم یعنی زندگی افراد را تعدیل میکنیم پول دادن زیاد برتبه نه ایجاد يك تجمل میکند که رتبه يك را بیشتر در زحمت میندازد اگر مابتوانیم برتبه های بکمان پنجاه تومان بدهیم نه ۳۵ تومان فرض کنیم يك خانواده يك پدر است يك مادر خانواده است و دو فرزند این حد اقلی است که میتوانیم برای يك خانواده فرض کنیم آیا يك نفر میتواند با این خرج کران امروزه با ماهی هشت تومان زندگی بکند؟ در حالی که در مملکت ما امروز يك مخارجی پیدا شده که سابق وجود نداشته است ( افشار - باید از مؤدیان دوپست میلیون مالیات بگیرند ) سابق فلان مستخدم اداره میتوانست عبنای ژولیده اش را روی لباسش بکشد ولی امروز مستخدم اداره نمیتواند لباس قهیز و مطابق وضعیتش نپوشد این چقدر باید پول لباس بدهد ( افشار - آنکسی که مالیات میدهد چطور ) اضافه مالیاتی پیش نخواهد آمد در این باب چیزی این اضافه را میکند و قبلاً این اشخاص نه در هیئت دولت و نه در مجلس شورای ملی بنظر بنده صدایشان بلند نبوده که بشنوند و قریب اثر بدهند و مخصوصاً جلب رأفت و مهربانی آقایان مخصوصاً آقای دشتی را باین نکته جلب میکنم که توجه خاصی بفرمایند وزیر مالیه - بنده تصور میکنم تمام این بحث ها برای همان نکته است که آقای اورنگ فرمودند تذکری است

که شرح نوائس و هر نوع چیزی که قابل اصلاح باشد و لازم باصلاح باشد در موقع خودش باید گفته شود و تذکر داده شود و الا فعلا نه تنها مشکل است بلکه غیر ممکن است که فوراً اینکار عملی شود و برای بعد باید گذارده شود ولی برای بحث این مفید است که گفته شود برای این که آقایان شریک هستند در عمل دولت و با هم کار میکنند حالا شاید آقایان اعضاء کسبون بودجه که همیشه سروکار دارند در این مطلب برایشان بیشتر روشن شود ولی اشخاصی که کمتر با بودجه سرو کار دارند از خارج خیال میکنند که رتبه ۹ زیاد میگیرد یا رتبه ۸ هشت زیاد میگیرد و یا از آنها میشود برداشت و برتبه ۸ علاوه کرد همین قدر عرض میکنم برای مثل که دو تومان که به دون اشل و رتبه ۸ يك و دو داده شده ۳۳۵ هزار تومان شد و اگر بخواهیم بر رتبه های پایین پنج شش تومان باده تومان اضافه کنند شاید سه میلیون تومان بشود رتبه های بالا را اگر خیلی هم کم کنید فرض کنید حقوق رتبه های نه را نصف کنید شاید بیست هزار تومان نشود این يك نکته است که باید در نظر آقایان باشد نکته دیگر اینست که این را درست خوب است که متوجه بشویم که هر قدر هم محاسبات داشته باشد عملی نیست که هر کسی که بحق یا ناحق يك جا می رسیده و بالا رفته پایین آوردنش صحیح نیست و باعث افسردگی و پژمردگی میشود و مخارجش را آنطوری که برآورد کرده اختلال درش پیدا میشود و بعلاوه اگر همین ترتیبی که میفرمایید اگر در بازده سال قبل آن سی و دو تومان خوب بوده و آن سبب توهمان خیلی زیاد بوده حالا که آن سی و دو تومان وافی نیست آن سبب توهمان کم کم بحد و فایز میرسد آن را ما دیگر زیاد نمی کنیم و اینکه آقا فرمودند که رتبه های پایین را زیاد اضافات میدهند این برخلاف است و اینطور نیست حالا هر چه هست ترفیع برای اینهاست ترفیع اینها دو ساله است و در موقع خودش حتی الامکان اضافه و ترفیع داده میشود ولی ترفیعات رتبه های بالا سه ساله است و در آخر

سه سال هم میدهند شش ساله نازه افتخاری میشود و ما شش ساله اش را هم ندادیم و نامقتضیات زمان عملی درست نکند آنها حقوقشان زیاد نمیشود این فکر را هم باید کرد و فکر طبقات پائینی را هم باید کرد و يك نکته دیگر را هم آقای دشتی فرمودند که همیشه باید طرف مؤدیان مالیاتی و عامه ملت را هم گرفت آنها هم چیزی ندارند بخورند اگر بخواهیم آنها هم ماهی هفت تومان در يك جا می دهند همشان حاضرند بروند این را برای این عرض میکنم که مستخدمین دون اشل یا رتبه ۸ يك و دو حقوقشان کافی است خبر به آنها هم باید مساعدت شود و همین سالهای اخیر این مطلب در نظر گرفته شده که باید ارفاق و مساعدتی شود حتی در سال گذشته و امسال که دو تومان میدهند این دو تومان هم برای يك کسی که بیست و پنج تومان میگیرد باز چیزی است و همینطور باید مساعدت کرد و این را باید همیشه در نظر داشت که يك مقدار کلی روی حقوق اینها گذاشتن مشکل است برای این که کار گران مملکت عبارتند از دون اشل تا رتبه سه و چهار بیشتر اینها هستند و يك مبلغ مکنفی اعتبار میخواهد و به بودجه مملکت علاوه میکند. بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادی از آقای احتشامزاده رسید است قرائت می شود:

پیشنهاد میکنم در ماده ۴ بعد از عبارت رتبه ۸ يك و دو اضافه شود به مستخدمین جزء و افراد آزان.

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - بطوریکه خاطر محترم آقایان مستحضرات است از سال گذشته بهات گرانای زندگی و معیشت مقرر شد به مستخدمین يك و دو و دون اشل تفری دو تومان اضافه حقوق میدهند البته این اقدام خیلی خوب بوده است و مقتضی بوده است یا گرانای معیشت که در باره مستخدمین کوچک این مساعدت و همراهی بشود ولی بدبختانه دو دسته از مستخدمین کوچک مورد توجه و نظر واقع نشدند در صورتیکه هم از حیث کمیت و کیفیت عملشان اگر مزیت نداشته باشند بر سایرین تفضی ندارند هم از حیث گرانای معیشت اینها در زحمت هستند و حقوقشان

هم کافی نیست یکی از آن دوست مستخدمین که بهشان این اضافه حقوق داده نشده آزانهای نظیر هستند در این جا هم ملاحظه میفرمایید که رتبه افراد قید شده است ولی افراد و اونفورم آزان در نظر گرفته نشده است در صورتیکه آزانهای نظیر خدمتشان يك خدمت خیلی سختی است و آنها هستند که حافظ جان و مال و ناموس اهالی شهرها هستند و حتی با پستی نسبت به آنها مسماء دستی بشود حالا در طهران خورشوقانه آزانهای طهران نسبت بسیار ولایات يك قدری حقوقشان بیشتر است ولی چندر است باز يك مبلغ خیلی قابلی در حدود هفده تومان ولی در اغلب ولایات حقوق آزانها هفت هشت تومان نه تومان است یکی هم مستخدمین جزء و سرپائی ادارات و وزارتخانهها است که آنها هم عیناً همان خرجی را که مستخدمین دون اشل و رتبه ۸ يك و دو دارند آنها هم دارند و حقوقشان هم از آنها کمتر است حقوق مستخدمین جزء اکثر وزارتخانهها حداکثرش تا بیست تومان است و البته بنده و سایر آقایان رفتائی که پیشنهاد میدهند برای این که کمکی بشود به این دسته مستخدمین یا این که اشل مقرری مستخدمین از ۳۲ تومان ترقی یابد و به چهل تومان برسد هیچکدام این نظر را نداریم که يك مالیات جدیدی وضع شود و تحمیل شود به مردم و حقوق آنها را اضافه کند البته در درجه اول باید نظرم آن به مؤدی مالیات باشد به طبقه ملت باشد که تمام مخارج به آنها تحمیل می شود هیچکدام ماها این نظر را نداریم یعنی اگر امر دایر شود اضافه دادن باین مستخدمین با اضافه کردن يك مالیاتی یا برقراری يك مالیات جدیدی همه ما مخالفیم و میگوئیم که این اضافه حقوق داده نشود و از آن صرف نظر شود ولی این نظر هست که این طبقه از مستخدمین فوق العاده در عسرت هستند و باید از يك محلی که چندان ضرورت ندارد درباره آنها باید بذل توجه بشود مثلاً مخارج اتومبیلی که برای وزارتخانهها و ادارات است البته بنده معتقد هستم که در همه وزارتخانههای برای وزیر باید اتومبیل باشد که بتواند وظائف خودش را در هر موقع که لازم باشد انجام بدهد ولی اگر امر دایر شود که اتومبیل برای يك وزارتخانه تصویب کنیم یا اضافه حقوق به این طبقه از

مستخدمین بدهیم بنده عقیده ام این است که اضافه حقوق از آن مقدم است و همینطور سایر مخارج دیگری که در بعضی وزارتخانهها هست و خیلی ضرورت ندارد و اضافه حقوق به طبقه آزان با مستخدم جزء قابل این نیست که مقاومتی در مقابل آن بشود بنده معتقدم که از آن مخارج بزیاد و این قلم را تأمین کنید که این طبقه از مستخدمین تا اندازه رفع عسرت و تکلیفشان بشود.

وزیر مالیه - این را فرمودند که اگر امر دایر شود که مالیات جدیدی برقرار کنیم موافق نیستم بنده عرض میکنم امر دایر است برای این که بودجه کل مملکتی را آقایان تصویب فرموده اند عایدات و مخارج را تصویب و معین فرموده اند اما این را باید عرض کنم و اول هم عرض کردم که در بعضی مواد اول باید يك توضیحی داده شود این هم از آن مواد است. این فرمایشاتی که آقایان میفرمایند ناشی از يك (عرض میکنم اشتباه است) ولی درست توجه به بدل اول آن نشده است رتبه های از يك تا نه قانوناً حقوقش معین است و ما حق نداریم بیشتر بدهیم دون اشل هم یعنی دون رتبه به سی و دو تومان نمیتواند برسد لهذا برای این سه درجه دون رتبه و آنهائی که يك و دو هستند اگر درات مایل باشد که يك اضافه بدهد در بودجه هم نمی شود و يك قانون مخصوصی میخواهد این است که در قانون معین بودجه ارسال و قانون معین بودجه ارسال اجازه خواسته شده است که به آنها بکندری بیشتر داده شود مستخدمین جزء قانون و حدی ندارند مستخدمین جزء را هر قدر بخواهیم می توانیم بدهیم حدی ندارد اجازه مخصوصی نمیخواهد بیش از رتبه ۸ يك و دو هم میگیرند تا چهل و پنج تومان هم میگیرند و يك ترتیبی دارد در وزارتخانهها که هر چند سال به آنها يك اضافه میدهند ولی لازم نیست که ذکر شود هر کدام را می تواند اضافاتی بدهند و هم چنین است آزان این فقط مخصوص رتبه است که اول میگوید حد اقل فلان قدر است بعد از او استثنا میکند میگوید اشل سی و دو تومان است الا این که مجلس اجازه بدهد که فلان قدر به این رتبه ها اضافه شود ولی آزان و مستخدمین جزء چون دخل

رتبه نیستند حداقل رتبه شامل آنها نمی شود و هر وقت که مقتضی بماند تشکلات نظریه و دولت که افراد اینها و افراد نظریه را حقوقشان را بالاتر برند بتوانند فقط در کل بودجه يك نظریه هست و باید در آن قید کرد و در قلم کل بودجه تاثیر دارد و رقم کل بودجه شان تغییر میکند ولی قانون مخصوصی لازم نیست به مجلس بیايد از این جهت است و اگر بخواهد خود دولت بدون اجازه مجلس این کار را بکند مامی ندارد البته محتاج به تزوید عایدات است

**رئیس** - آقایانیکه پیشنهاد آقای احتشامزاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه شد. آخرین پیشنهاد پیشنهاد آقای طهرانی است. قرائت میشود.

پیشنهاد میکنم ماده ۴ از قانون حذف شود. (خنده نمایندگان)

**رئیس** - آقای طهرانی

**طهرانی** - عرض کنم چون بنده میخواستم در این ماده صحبتی بکنم این بود که يك فرمول پیدا کردم و این پیشنهاد را تقدیم کردم. بنده میخواستم مخصوصاً وزارت مالیه را متوجه کنم که خرج و زندگانی چهار پنج برابر فرق کرده است و خیلی زیاد شده است (بعضی از نمایندگان - گفته شد) باز مگر هم اگر اجازه بدهند گفته شود بهتر است. (آوردنك - قند مکرر است) فرق نمیکند هم نسبت به بودیان مالیات و هم نسبت به مستخدمین البته وظیفه وزارت مالیه است که استبعاد مردم را به بیند و مالیات وضع کند و بعد هم خرج کند (افسر - این کار مجلس است) عرض این است که وزارت مالیه در نظر بگیرد و به مجلس پیشنهاد کند و مجلس تصویب کند و از طرفی هم مستخدمین را از درجه بالا تا پایین در نظر بگیرد و به بیند که اینها چهار باید زندگانی بکنند کدام رفاهیت دارند کدام ندارند آنها را هم باید رعایت بکنند که بکنند پیشنهادت که با واهی چهارم تومان بازده تومان از چهارم تومان تا بیست تومان

بنده هم موافقم. بقصد این است که همه بطور تعدیل زندگی کنند بنده در کمال راحتی زندگی کنم فلان مستخدم بازنش گریست باشد با فلان زارع فاراحت است خوب این تعدیل نیست این خوب نیست بنده نظری ندارم که این جا وایم عوام فریبی کنم برای خاطر مردم چیزی بگویم فقط میخواستم آقای وزیر مالیه را متوجه کنم که تمام اینها را مد نظر بگیرند.

**رئیس** - بنده قبل از این که به این پیشنهاد رای بگیرم لازم است توجه آقای طهرانی و یکی دو نفر از آقایان را که شیبه این کار را کرده اند جلب کنم و آن این است که امور مجلس جدی است و مامی ندارد که پیشنهاد بوضعی بشود و تغییر و توضیح آن به صورت دیگر باید شما پیشنهاد بفرمایید که ماده از دستور خارج شود و حذف شود آنوقت ماده را تأیید بفرمایید این جدی نیست این طرز کار نیست (صحیح است) آقایانیکه با این پیشنهاد ...

بعضی از نمایندگان - پس گرفتند.

**طهرانی** - دسترد بدارم.

**رئیس** - رای میکنیم بماده چهار آقایانیکه با ماده ۴ موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. پیشنهاد شده است جلسه را ختم کنیم (صحیح است) آقای پاشایی لایحه دارند تقدیم بکنند.

**۴ - تقدیم لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت**

**خارجی از طرف آقای رئیس کل تجارت**

**پاشایی (رئیس کل تجارت)** - لایحه ایست ملضم چند ماده در راجع به مقررات اسعار خارجی در قانون انحصار تجارت خارجی و از طرف دولت تقاضا می شود که باید دو فوریت مطرح شود و بدولت اختیار داده شود که هر نحوی که مقتضیات آیه اجازه میدهد مقررات را با مقررات فعلی را تملیق بکند یا مقررات جدیدی وضع کند نظر بوضوئی که اخیراً در دنیا در اوضاع اسعاری و مامی آمده است

که همه آقایان کم و بیش مستحضرنند دولت ناچار شده است که تقاضا بکند از مجلس شورای ملی که این اجازه را تحصیل بکند این لایحه تقدیم می شود قسمتهای دیگری هم هست و راجع به این است که يك ماده ساز جواز بعضی از تجار آذربایجان مدتش منقضی شده است اجازه میخواهیم بدهد بدهم از نظر بعضی حوادثی که در راه طرابوزان و آنجاها پیش آمده است که در موقع توانستند از جواز خودشان استفاده کنند و يك قسمت هم راجع به عدم انجام تعهدات اسعاری و غیره است که بعضی اشخاص صاف میشوند از تعقیب در هر صورت این لایحه ملضم دوسه قسمت است که قسمت اولش تحصیل آن اختیارات است و استدعا می شود که باقی دو فوریت تصویب شود هر طور آقایان مصلحت میدانند.

**کارولوی** - حالا که خبر برای جلسه بعد

**رئیس** - آقای عراقی

**عراقی** - خواستم عرض کنم که اگر در این جلسه میخواهند مطرح شود بنده با فوریتش مخالفم اگر برای جلسه دیگر است که عرضی ندارم.

**رئیس** - پیشنهاد ختم شده بود اجابت هم فرمودند بنده آنها تذکری که به آقا میدهم این است که در صورتیکه لایحه تمام بودجه فعلاً در جلسه بعد مطرح است و آقا ایدراک زمان میکنند چرا به کم - بون نرود

**رئیس کل تجارت** - عرض کنم که بنده عطفاً خودم عقیده دولت را عرض میکنم که این مطلب خیلی ضرورت دارد برای این که معاملات اسعاری خارج پس از افتتاح این لایحه يك صورتی دیگری بخورد و بگیرد مصلحت این است که فوریت تصویب شود بنظر آقایان است. (صحیح است)

**رئیس** - آقای رهبا

**رهبا** - آقای رئیس ختم جلسه را اعلام فرمودند اگر دولت عقیده دارد که این لایحه فوریت دارد و باید مطرح شود بایستی در جلسه دیگر باشد و این مجلس با آقای رئیس است ممکن است عصر را جلسه بفرمایند



وقتی از نمایندگان - صحیح است - عصر جلسه شود.  
 وزیر مالیه - عرض میکنم که بنده اگر باین لایحه توجه  
 داشتم تذکر میدادم که لایحه منم بودجه یکفدری ترویج  
 بقتد و این لایحه فوریت بکنند ولی الآن يك وقتى  
 است که نمی شود این کار را کرد حتی اگر بمساعت  
 قبل هم توجه داشتم ممکن بود که قاضا شود که این  
 را مطرح کنیم و باین دارم که آقایان تصدیق خواهند  
 فرمود که فوریت دارد.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرض کنم که بنده لزوم و ضرورت این قانون  
 را درس حرفی ندارم لیکن ما میخواهیم مطالبه کنیم

حرفی هم زده باشیم قانون هم البته ضروری است ولی  
 منافات ندارد که فردا صبح جلسه شود و باین وسعتی که  
 داریم قانون را طرح میکنیم. عقیده بنده این است که  
 فردا صبح جلسه شود.

[ ۵ - موقع و دستور جلسه بود - ختم جلسه ]

رئیس - وقتی که دولت اظهار کرد که تاخیر  
 لایحه زبان آور و موجب ضرر مملکت است فوراً و  
 تقاضای این حس در ما تواید می شود که مملکت منضرد  
 نشود اینست که جلسه همین امروز پنج بعد از ظهر  
 خواهد بود (صحیح است)  
 (مجلس یکساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد)  
 رئیس مجلس شورای ملی - دادگر